

کارگر به پیش



۲۲
/

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

کتابخانه مرکزی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کارگران جهان، متحد شوید!

کارگر، به پیش!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org



آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

فهرست

صفحه	
۱	۱ - مقدمه
۵	۲ - سرمقاله (وظیفه کارگران در کوتاه کردن دست هزارفامیل و...)
۱۴	۳ - درسهائی از سازماندهی کارگران (کارگران چگونه باید متحد...)
۳۴	۴ - درسهائی از اقتصاد سوسیالیستی (نظام سرمایه داری و...)
۴۳	۵ - نامه یک رفیق کارگر مبارز
۴۸	۶ - اخبار کارگری
۶۳	۷ - از مبارزاتمان درس بگیریم
۶۷	۸ - توضیح درباره چند اصطلاح

* - رفقای کارگر قبل از مطالعه این نشریه به نکات اضتیبی که در انتهای صفحه ۷۰ درج گردیده است توجه کنید .

توجه: با وجود تلاشی که در هر چه ساده تر نوشتن نشریه داشتیم اما ناچار از آوردن پاره ای از کلمات شدید که فهمشان ممکن است برای بعضی از رفقای کارگر مشکل باشد . از همین جهت بر روی آن کلمات ستاره زده ایم که معنی آنها را در انتهای نشریه آورده ایم .

پیشگفتار

● رفقای کارگر!

نشریه ای که ملاحظه می کنید، در ادامه همان نشریاتی است که تحت عنوان "خبرنامه کارگری" منتشر شد. ما این شماره را با تغییراتی که در آن دادیم، بصورتی که ملاحظه می کنید منتشر کرده ایم. ما این نشریه را برای این تغییر داده و وسیعترش کردیم که احساس می کردیم برای آگاه کردن هرچه بیشتر کارگران به منافع طبقاتیشان، آوردن مطالب بیشتر و گوناگون تری در نشریه لازم است. "خبرنامه کارگری" صرفاً شامل یک سرمقاله در رابطه با مسائل سیاسی جامعه بود که بنوعی در رابطه با طبقه کارگر قرار می گرفت. بعلاوه تعدادی خبر و رهنمودهایی که از اعتصابات و مبارزات بدست می آمد. اما از آنجا که نیاز امروزه طبقه کارگر ایران، به کسب آگاهی های هرچه بیشتر صنفی و سیاسی، در جهت بدست آوردن حقوق حقه شان و همچنین ایجاد آگاهی و اتحاد در میانشان برای پیشبرد مبارزه با سرمایه داران و رژیم غارتگر شاه، طرح مسائلی بیشتر و گوناگون تری را در رابطه با کارگران ضروری می کرد، از همین جهت ما برآن شدیم تا نشریه را با افزودن برخی مطالب سیاسی - اقتصادی

کارگر به پیش!

وتبلیغی - ترویجی دیگر، هر چه بیشتر برای کارگران قابل استفاده و بصورتا پر بارتری آن را منتشر کنیم.

پیش بسوی پیوند نیروهای انقلابی با جنبش اوچگیرنده توده ها!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر، یعنی حزب کمونیست ایران!

سرنگون باد رژیم دست نشانده شاه خائن و ضد کارگر!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق ایران!



سوسیالیسم را بدون جنبش

خود بخودی طبقه کارگر بریم

وظیفه کارگران در کوتاه کردن دست

هزار فامیل و غارتگران خارجی

در یک جامعه سرمایه داری که خواه نا خواه قدرت حاکمه در دست دولت سرمایه داری است و بوسیله ارتش و پلیس و دها اداره و سازمان آنها حفظ میکنند و تمام این تشکیلات برای بهره کشی هر چه بیشتر از مردم و سرکوب مبارزات آنها بوجود آمده است، قانون کار نتوان و قدرت مبارزات، طبقه کارگر را نشان میدهد. چرا که در این جامعه کارگران با اتکا به مبارزاتشان توانسته اند دولت را به عقب نشینی و دارند و از آن امتیازات، برای بهبود شرایط کار و مشکلات رفاهی خودشان بگیرند. قانون کار در کشورهای به اصطلاح آزاد سرمایه داری مثل اروپا و آمریکا که فعالیتهای سندیکائی و صنفی کارگران آزاد است تا حدود زیادی عطل میشود اما در کشور ما که امپریالیسم آمریکا برای غارت ثروت ملی ما و استثمار کارگران و زحمتکشان میهن مان، برای حفظ منافعی در منطقه خلیج و... حکومت دیکتاتوری* و فاشیستی* شاه را روی کار گذاشته و از آن پشتیبانی میکند و این حکومت برای نشان

دادن نوکریش به آمریکا و پر کردن جیب درباریان کثیف و سرمایه داران خونخوار داخلی، و از هیچ ستم و ظلمی نسبت به طبقه کارگر، چه بشکلی قانونی و چه بشکلی سرکوب مبارزات آنها خود داری نمیکند، خیلی کمتر عملی میشود.

اما خلق قهرمان و مبارز کشور ما همچنانکه در طول تاریخ نشان داده است، هرگز تسلط بیگانگان و حکومت‌های استبدادی را تحمل نمیکند و هم اکنون نیز به مبارزه ای قهرآمیز با رژیم دست نشانده شاه و امپریالیسم آمریکا برخاسته و آنرا وادار به عقب نشینی هائی کرده است.

کارگران مبارز کشور ما که در هیچ دوره ای از دوران انقلابی و توده های مردم را تنها نگذاشته اند، این بار نیز با گامهای استوار و موزونی با براه انداختن اعتصابات گسترده، به یاری سایر مردم مبارز کشور برخاسته اند. یک نگاه به خواسته های کارگران، مضمون و ماهیت اعتصابات آنها را بخوبی نشان میدهد. نشان میدهد که خواسته های کارگران درست به مانند تیری است که بقلب رژیم دیکتاتوری پهلوی و اربابان آمریکائیش می نشیند و کارگران را درست در مقابل رژیم و امپریالیسم قرار میدهد. خواسته های مثل از بین بردن تبعیض میان کارگران خارجی و ایرانی، کوتاه کردن دست هزار فامیل از زوب آهن، کوتاه کردن دست مستشاران خارجی از امور شرکت نفت، تجدید نظر کلی در قانون بیمه های اجتماعی، مسکن کارگران، طبقه بندی مشاغل، لغو قانون

فاشیستی* انضباط کار، تغییر مدیریت کارخانه، از بین بردن تبعیض بین کارگران با مهندسين و تکنيسين ها و کارندان، کنترل کارخانه بوسیله خود کارگران، انحلال سازمان کارگران، انحلال سندیکا های فرمایشی و وابسته به دولت، و تشکیل سندیکا های واقعی کارگران، ۰۰۰ و دهها خواسته منطقی و رفاهی دیگر، نشان میدهند که کارگران علاوه برخواستهای طبقاتی و صنفی، مبارزه شان تا حدودی سستی در ماکراتیک* و ضد امپریالیستی هم دارد. اما چرا رژیم دست نشانده نمیتواند این خواستهها را برآورده کند؟ چرا او با هر سختی که شده بالأخره بسیاری از خواسته های طبقات و اقشار دیگر مردم مثل جبهه ملی و دهها حزب و تشکیلات دیگر را که رهبران بازرگانان و سرمایه داران ملی هستند و همچنین خواسته های خرد به روزرزی* (مثل کسبه و پیشه وران، دانشجویان و...) را برآورده میکند اما در برآوردن خواسته های منطقی کارگران عاجز است؟ چرا به همه این احزاب و دسته جات آزادی تشکیل و فعالیت میدهد ولی اجازه نمیدهد که کارگران حتی سندیکای واقعی خودشان را داشته باشند؟ و نمایندگانشان را خودشان انتخاب کنند؟ و چرا کارگرانی را که در کارخانه هایشان از حقوق صنفی و حرفه ای خود و بقیه کارگران دفاع میکنند با وحشیانه ترین شکلی زندان، اخراج و مورد توهین قرار میدهند؟

جواب این چراها بخوبی روشن است. اولاً همانطور که گفتیم کشور ما یک کشور سرمایه داری وابسته به آمریکا است که اصلاً خود

سرمایه داری ذاتاً بدون استثمار* طبقه کارگر و بدون اینکه طبقه کارگر را همیشه در محرومیت و زیر ظلم و ستم خودش قرار دهد نمیتواند دوام بیاورد و در کشور ما باز عامل ضد کارگری و ضد خلقی دیگری هم کمک میکند که این فشار هر چه بیشتر و ظالمانه تر شود . و این عامل ، امپریالیسم و در آن آنها امپریالیسم آمریکاست .

در کشوری مانند ایران که صنایعش متناوب و وابسته به کشورهای خارجی است و خودش هیچ تولید اصلی ندارد ، در کشوری که مجبور است ضایع امپریالیستها را از ریز و درشت بر آورده کند ، و برای قرار دادن های هنگفتی که آنها می بندند ناچار باشد از آنها ماشین ها و کارخانه های بزرگ و کارشناس بیاورد و در این معاطه با زیبا شود هنگفت و باد آورده ای هم به جیب سگان درباری و نزدیکان آنها مانند امرای ارتشی و مقامات بالای کشوری ، میریزد و شرایطی را که این کشور های خارجی به وی تحمیل میکنند ، قبول کند . در یک چنین کشوری چگونه میتوان انتظار داشت که دست مستشاران آمریکائی از ارتش و کارشناسان فنی و اداری آمریکائی و انگلیسی و . . . از ادارات مؤسسات کشور و از جان و مال مردم کوتاه شود ؟ چگونه میتوان انتظار داشت که در شرایطی که نیروگاههای برقی که اصلاً کشور ما به آنها احتیاجی ندارد و با سرمایه هنگفتی خریداری شده اند ، و امتیاز نصب اداره و تعمیر شان را هم خودشان بعهده بگیرند ، از کوتاه کردن دست خارجیان غارتگر و تبعیض بین کارکنان ایرانی و خارجی ایمن

مؤسسات حرف زد و انتظار داشت که کارگران فنی و با سواد ما را که هم اکنون در این نیروگاهها بصورت کارگر ساده و نظافتچی زیر دست خارجیان کار میکنند، بجای آنها گذاشت؟ چگونه میتوان انتظار داشت که وقتی که هزار فامیل^۱ و در رأس آنها خاندان ننگین پهلوی از خود شاه گرفته، تا اقوام دورش مانند عنکبوتی دور همه ایران تار تنیده اند و ثروت ما را به تاراج میدهند، و با کمک عمال و امرای ارتشی و ساواکی خود، مردم را غارت میکنند، دستشان از نوب آهن کوتاه شود؟ و یا اصلاً چگونه انتظار داریم رژیم با چنین شخصاتی بتواند، قوانینی به نفع طبقه کارگر وضع کند که مسئله مسکن، بیمه و... کارگران را حل کند؟

ثانیاً، دلیل دوم که همیشه عامل اصلی و تعیین کننده است اینستکه طبقه کارگر ما از آنجا که با وجود همه مبارزات با شکوهش در طی سالها^۲ خفقان و دیکتاتوری، سیاه، این مبارزاتش همیشه پراکنده و بدون رهبری بوده و لذا رژیم بخوبی میتواند تک تک آنها را سرکوب کند، و از آنجا که طبقه کارگر فاقد آن تشکیلات سیاسی و رهبری کننده خود، بعضی فاقد حزب کمونیست میباشد، نتوانسته است مانع طرح و تصویب این قوانین ضد کارگری شود.

اما چگونه کارگران میتوانند به این خواسته های اقتصادی که ابتدائی ترین خواسته های آنهاست و همچنین به آزادیهای سیاسی کارگری که فعالیت همه جانبه و گسترده سیاسی و طبقاتی کارگران بتواند در آن صورت گیرد و طبقه کارگر بطور پیگیر و مداوم در صدد نابودی

نظام سرمایه داری و استقرار جامعه سوسیالیستی* یعنی جامعه ای که در آن دیگر طبقه بهره کش و استثمار کننده ای وجود نداشته باشد، برآیند برسند؟

ما تنها در صورت اتحاد و یکپارچگی هر چه بیشتر کارگران سراسر ایران در جهت رسیدن به خواسته های مشترک و مبارزه بخاطر بدست آوردن آنها میتوانیم رژیم مزدور شاه را وادار به قبول پاره ای از آنها بکنیم. اما جای هیچگونه تردید نیست که ما تنها و تنها با سرنگونی رژیم مزدور شاه و قطع سلطه امپریالیسم از جان و مال ملت ایران و استقرار جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق است که می توانیم به قسمت عمده خواسته های اقتصادی و سیاسی مان برسیم و برای اینکار، مبارزه ای سخت و قاطع و مسئولیتی بزرگ در پیش روی ما رسم.

اولاً: باید تمامی تلاش و کوششمان را در راه وحدت طبقه کارگر و تشکیل حزب کونیست بگذاریم، ثانیاً: با هوشیاری تمام، به طور کامل و مطلوبی از جریانات و مبارزاتی که اخیراً برضد رژیم دیکتاتوری شاه شروع شده است، حد اکثر استفاده را بکنیم و از این شرایط برای اتحاد هر چه بیشتر خود و طرح خواسته ها حقه مان از راه اعتصابات دامنه دار، و کسب آگاهی های طبقاتی خودمان یعنی آگاهی های سوسیالیستی و دموکراتیک، برای تشکیل حزب کونیست، بهره برداری کنیم.

در عین حال باید بمراتب هوشیارتر باشیم تا نظراتی را که اینک

وجود دارند و میتوانند قطعاً جنبش انقلابی مردم را به انحراف کشیده و مانع رسیدن آن به هدف واقعی خود شوند، شناخته و آنها را خنثی کنیم. این نظرات یکی نظری است که از طرف نمایندگان (رهبران) سهامی سرمایه داران و بازرگانان ملی، یعنی از جانب جبهه ملی و سایر احزابی از این قبیل، جنبش انقلابی ما را تهدید میکند. این درست است که سرمایه داران و بازرگانان ملی خود زیر فشار دیکتاتوری و انحصار آفرینی قرار دارند و اکنون کثوره های مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم برخاسته اند، اینها نیز بطور فعال وارد میدان مبارزه شده اند و سنگ پشیمانانی از ضایع کارگران و دهقانان و دانشجویان و... را به سینه میزنند، ولی در حال حاضر اینها خود سرمایه دارانند و راستش را بگویم به طبقه کارگر، با تمامی سرمایه داران دیگر شریکند و اینها از آنجا که در حال حاضر بهیچوجه خواستار سرنگونی رژیم شاه نبوده بلکه با روی کار بودن همین رژیم، خواستار برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی هستند، به محض اینکه کارگران بطور فعال و متضاد به مبارزه برخیزند، به راحتی با رژیم و امپریالیسم سازش کرده و برای حفظ منافع سرمایه داریشان در مقابل کارگران قرار میگیرند.

خطر دوم و جدی تر، خطری که مستقیماً طبقه کارگر را مورد تهاجم خود قرار داده خطر دار و دسته خائن حزب توده است. همه کارگران آگاه و مبارز و بخصوص کارگران قدیمی و سایر مردم کشور ما با خیانت های این دار و دسته فریبکار آشنا نیستند. هر کارگر مبارز قدیمی

بخصوص کارگران قدیمی شرکت نفت بخوبی میدانند که چگونه این حزب در دولت مزدور و ضد مردمی "قوام" شرکت کرد و به اصطلاح، با وی دولت ائتلافی تشکیل داد و رهبران خائنش با مخالفت با اعتصابات و سیام و انقلاب کارگران، بخصوص کارگران شرکت نفت، و با گول زدن کارگران، اعتصاب آنها را درهم شکستند.

این دار و دسته هم اکنون هم با نظراتی مثل حکومت ائتلاف ملی و اینک با تشکیل چنین حکومتی با سرمایه داران و بازرگانان ملی، میتوانند جامعه را بسوی سوسیالیسم، یعنی، روی کار آوردن یک حکومت کارگری به پیش بپزند، نشان میدهد که بهیچ وجه ماهیت ضد کارگری آن عوض نشده بلکه این بار با پشتیبانی حکومت ضد کارگری شوروی و حمایت از آن، برای فریب طبقه کارگرو به انحراف کشانیدن مبارزات انقلابی مردم و دست آخر، قرار دادن ایران در اختیار شوروی، وارد صحنه شده است.

این حزب، ضرورت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست را که امری حیاتی و اصلاً تنها ضامن پیروزی بر رژیم مزدور شاه و سرنگونی آن و قطع سلطه امپریالیسم است، بدون اینکه مطرح کرده و برای آن فعالیت کند، ماستمالی کرده و بجای آن، سازش طبقه‌نوی و اتحاد بی قید و شرط با نمایندگان سیاسی سرمایه داران و بازرگانان ملی را جایگزین آن میکند.

رفقای کارگرا! ما سعی میکنیم از این به بعد، اسنادی از

فعالیت‌های حزب بوده، این حزب قلبی طبقه کارگر را برای روشن شدن کارگران همراه با سیاست‌هایی که پیش‌پای کارگران می‌گذارد، در این نشریه به‌طور مستمر

پیش‌پسوی اتحاد هر چه بیشتر طبقه کارگر
 پیش‌پسوی تشکیل حزب کمونیست ایران
 پیش‌پسوی سرنگونی رژیم شاه و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم
 برقرار باد جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق



سرنگونی رژیم وابسته شاه و
 استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را
 در صدر خواسته‌هایمان قرار دهیم!

● کارگران چگونه باید متحد شوند؟

کارگران عزیز! مطلبی را که از این شماره "کارگر به پیش" آغاز میکنیم، شامل راه حل ها و راهنمایی های عطفی در مورد چگونگی اتحاد کارگران است. این رهنمود ها را هر کارگری باید بداند تا مجموعه این آموزشها کارگران را در اتحاد هر چه عمیق تر و گسترده ترشان، در مبارزه بر علیه سرمایه داران و رژیم آنها یاری رساند.

امروزه اعتصابات وسیع کارگری که هنوز در برخی از آنها تا / ۱۰۰۰۰۰ نفر کارگر مبارز کارخانه های چیت سازی / یا / ۳۰۰۰۰ کارگر یک کارخانه (زوب آهن اصفهان) شرکت دارند، در تمام گوشه و کنار کشور مان دیده میشوند. ولی عیب اصلی این اعتصابات - همانطور که بارها یادآوری کرده ایم - عبارتست از عدم وجود رهبری در این اعتصابات، عدم وجود ارتباط و هماهنگی میان این اعتصابات و خواستهایی که در این اعتصابات مطرح میشوند.

ما امروزه شاهدیم که در مقابل اتحاد و بهم پیوستگی فشرده ای که در میان صفوف سرمایه داران و تمامی سازمانها و موسساتشان اعم از رژیم شاه، دولت، وزارت کار، و... وجود دارد، چگونه کارگران شدیداً دچار پراکندگی و عدم هماهنگی و ارتباط با یکدیگر هستند. مبارزات کارگران

که از ابتدا بصورت شکایت‌ها و اعتراضات فردی یا گروهی در يك کارخانه شروع میشود، و بتدریج بصورت يك اعتصاب در می‌آید همیشه پراکنده و بسی برنامه است. اعتصابات در کارخانه‌های مختلف بدون ارتباط با یکدیگر و جدا جدا انجام میشود. اغلب دیده میشود که کارگران دو یا چند کارخانه بطور همزمان اعتصاب کرده اند بدون اینکه از اعتصاب یکدیگر کوچکترین خبری داشته باشند. در يك کلام کارگران در ابتدای مبارزات خود همیشه بطور عجیبی پراکنده و بی‌خبر از حال و روز هم هستند.

از همین جهت کارگران همیشه با وجود تمام رنج و زحمتی که از صبح تا شام و از شب تا صبح می‌کنند از حداقل مزایای زندگی نیز برخوردار نیستند و بقول معروف همیشه هشت شان گرو نه شان است و خرجشان بر سر دلبشان می‌چرید. تمام شکایت‌ها و اعتراضات فردی یا گروهی آنان نزد کارفرما و وزارت کار و سازمان کارگران و حتی دربار شاه و فرج و... هم به نتیجه ای نمی‌رسد. طبیعی هم هست که نرسد چرا که وزارت کار و دربار و همه و همه يك سیستم بهم پیوسته ای هستند که پشتیبان هم هستند و سازمان کارگران هم اگر چه ظاهراً برای حفظ منافع کارگران بوجود آمده، اما آنها خود رژیم شاه و دولتش علم کرده اند. با این ترتیب چنین سازمانی آیا میتواند حافظ منافع کارگران باشد؟ مگر شاه و دولت او د یوانه شده اند که کاری بر ضد خود انجام دهند؟

آری رفقای کارگرا! تا زمانی که جریان کارگران بر این سوال است چنین وضعی برای کارگران تا ابد وجود خواهد داشت و يك کارگزار روزی

که مشغول کار میشود تا آخرین لحظه عمرش بیاید. جان بگنویس
 با مقداری نان بخور و نهمه بزندگی سراسر بد بختی و محرومیت خود و
 خانواده اش ادامه دهد. پس چه باید کرد؟ چگونه میتوان حق خود را از
 حلقوم گشاد سرمایه داران بیرون کشید؟ چگونه میتوان از این زندگی
 جهنمی خلاصی پیدا کرد؟ چگونه میتوان شرایط کار را بصورتی انسانی
 آورده و با درد و رنج کمتری، زندگی بهتری برای خود و جامعه خود مهیا
 کرد؟

اینجاست که لنین "آوزگار بزرگ کارگران سراسر جهان به بهترین
 صورت ممکن و در جمله ای کوتاه راه را پیش پای ما میگنارد. ببینیم او
 چه میگوید. او میگوید: "طبقه کارگر برای بدست آوردن قدرت حاکمه
 سلاحی جز سازماندهی ندارد."

معنی این جمله "لنین" چیست؟ مقصود او از سازماندهی چیست؟
 و اینکه او میگوید طبقه کارگر تنها سلاحش برای به دست گرفتن حکومت
 سازماندهی است، یعنی چه؟

سازماندهی یعنی: "تشکل و اتحاد کلیه کارگران، تحت رهبری سازمان
 سیاسی خودشان. این سازمان سیاسی همان حزب طبقه کارگر است.
 کارگران با اتحاد و تشکل خودشان در یک تشکیلات وسیع کارگری، تحت
 رهبری حزب کارگران، از آنچنان نیروی عظیم و بی انتهای برخوردار
 میشوند که در سایه آن نیرو میتوانند به تمام حقوق از دست رفته خود و سایر

مردم جامعه شان دست یابند. کارگران در سایه سازماندهی خود میتوانند ضمن اینکه حق خود را بطور کامل از سرمایه داران بگیرند، حتی آنان را از حکومت هم بزیر آورده و خود حکومت را بدست بگیرند و وظیفه خویش را در ایجاد یک زندگی سالم و انسانی برای خود و همه مردم و دور از هرگونه ظلم و بهره کشی و حق کشی به انجام رسانند. سازماندهی پرشکوه ترین و عظیم ترین سلاح کارگران در مبارزه شان بهر ضد سرمایه داران سود پرست و خونخوار است.



اما این سازماندهی چگونه است و کارگران چگونه میتوانند آنرا در میان خود بوجود آورند؟ آن را گسترش دهند و آنچه ان تشکیلاتی بوجود آورند که کلیه کارگران سراسر کشور را در دین آن تشکیلات جای دهند. خود سازمان سیاسی کارگران و عبارت دیگر حزب طبقه کارگر چگونه است و در اینجا چه نقشی دارد؟ چگونه میتواند مبارزات کارگران را رهبری و هدایت کند؟

ممکن است این مسائل در وهله اول برای ما بسیار مشکل و غیر ممکن جلوه کنند. اما همانطور که هر کار و حرفه ای فوت و فن دارد که فقط در صورت آشنا بودن با فوت و فن آن میتواند آن کار را انجام داد سازماندهی کارگران نیز برای پیشبرد مبارزاتشان تا مرحله تشکیل حزب کارگران و سپس تا مرحله نابودی رژیم سرمایه داری و استبدادی شاه و خلاصه، تسا آزادی کامل کلیه کارگران و زحمتکشان، و برقراری حکومت واقعی کارگران و

زحمتکشان، فوت و فنی دارد که باید آنرا شناخت. ما تا موقعی که فوت و فن جوشکاری یا صافکاری یا تراشکاری یا هر کار دیگری را بلد نباشیم، مسلماً نخواهیم توانست از عهده انجام هیچکدام از این کارها برآئیم و انجام آنها در نظر اول برایمان بسیار مشکل و غیر ممکن هستند. اما با آشنا شدن با فوت و فن این کارها و سپس مقداری مهارت و کسب تجربه، براحتی از عهده آنها برآئیم و بعد از مدتی میتوانیم یک یا جوشکاری یا صافکاری یا تراشکاری تمام معنی باشیم. سازماندهی طبقاتی نیز همینطور است منتها چون این مسئله از نظر اهمیت و وسعت خود، به مراتب از جوشکاری یا تراشکاری یا ... مهم تر و با اهمیت تر است، مسلماً احتیاج به تلاش و کوشش و فداکاری بیشتری دارد. اما باید این را هم بدانیم که نتیجه این کار یعنی پیروزی کارگران و رسیدنشان به حقوق شان که در سایه این سازماندهی بعمل می آید، به مراتب از نتیجه فراگرفتن جوشکاری یا تراشکاری پر ارزش تر و با شکوه تر است. چرا که اینجا صحبت بر سر آزادی مملوونها انسان زحمتکش و محروم است، صحبت بر سر نجات انسان های ستمدیده از زیر بار حکومت ضد انسانی سرمایه داری است.

● الفبای سازماندهی و تشکیلات کارگری

کارگران برای رسیدن به تشکل مورد نظر، تا مرحله ایجاد حزب، نیاز به دو نوع سازماندهی دارند. یکی سازمان صنفی کارگران است و دیگری سازمان سیاسی آنها:

سازمان سیاسی کارگران، نه بوسیله خود کارگران، بلکه بوسیله
 روشنفکران انقلابی ای تشکیل میشود که زندگی و فعالیت خود را در جهت
 مبارزه در راه مافع طبقاتی کارگران تشکیل آنان مورهبری مبارزاتشان برای بهائی از
 زنجیر سرمایه داری و ماس قبل سر به داری و رسیدن
 به پیروزی و ایجاد حکومت کارگران و زحمتکشان قرار داده
 اند. این روشنفکران انقلابی، ایده تئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را که
 ایده تئولوژی طبقه کارگر است، بمیان مبارزات و اعتصابات کارگری برده با
 کتک آن، آگاهی و اتحاد لازم را در میان کارگران بوجود می آورند.

سازمان صنفی کارگران، همان چیزی است که ما در این مقاله بطور
 وسیع، به شرح جزئی به جز آن خواهیم پرداخت. این سازمان در جریان
 تشکیل هسته های چند نفره کارگران، تماس گیری این هسته ها در کارخانه
 های مختلف با یکدیگر، هماهنگی فعالیتهای این هسته ها، و... بود.

ساد، ترین و ابتدائی ترین سازماندهی کارگران و اولین قدم در راه
 ایجاد سازمان صنفی کارگران، تشکیل هسته های (گروههای) ۳-۴ نفره
 است که از کارگران پیشرو و فعال هر کارخانه تشکیل میشود. این هسته ها
 هم ممکن است تحت هدایت اعضای از گروههای روشنفکران انقلابی که در
 میان کارگران فعالیت میکنند، تشکیل شود، که در این صورت این
 هسته های کارگری مستقیماً تحت رهبری گروههایی قرار خواهند گرفت که در
 آینده حزب کارگران را بوجود خواهند آورد. و هم ممکن است بوسیله خود
 کارگران و بدون ارتباط با گروههای انقلابی تشکیل شود. هدف ما از

نوشتن این مقاله عمدتاً برای کارگرانی است که در ارتباط با گروهها و سازمانهای انقلابی نبوده و خود اقدام به تشکیل هسته های کارگری میکنند .

هسته های کارگری معمولاً در جریان هر اعتصابی ممکن است بطور خود بخودی نیز تشکیل شوند . به این صورت که تعدادی از کارگران پیشرو و آگاه هر کارخانه ، وقتی لزوم راه انداختن اعتصابی را احساس میکنند ، دور یکدیگر جمع شده و با کمک هم اعتصاب را راه می اندازند . چنانچه گروههایی در حال حاضر فعالیتشان از این حد تجاوز نمیکند و اتحاکا که در این رابطه میان آنها بوجود آمده ، بسیار زود گذر و موقتی است و معمولاً با پایان یافتن اعتصاب ، هسته آنها نیز بهم میخورد و از آن به بعد ، رابطه آنها با یکدیگر ، مانند رابطه سایر کارگران با یکدیگر است . البته این دور هم جمع شدن چند کارگر پیشرو ، در همه اعتصابات صورت نمیگیرد ، بسیاری از اعتصابات هستند که معمولاً با تصمیم ناگهانی کارگران یک بخش کارخانه ، مانند بخش پرس ، بخش تراشکاری ، و بطور کلی یکی از بخشهایی که کارگران آن فنی بوده و با سابقه هستند ، صورت میگیرد . کارگران این بخش دست از کار کشیده و با راه افتادن در کارخانه و گاهی وقتها هم برای جلب توجه سایر کارگران ، با سوت کشیدن و " هو " کردنها ، از بخشهای مختلف گذشته و چون زمینه برای اعتصاب آماده است ، سایر بخشها نیز در طی مسیر به آنها پیوسته و بدین ترتیب تمامی کارگران یک کارخانه یا اکثریت آنها دست از کار کشیده و اعتصاب میکنند .

در چنین اعتصابات معمولاً خواسته‌هایی که کارگران برای آنها دست به اعتصاب زده‌اند، کاملاً برای همه کارگران روشن نیستند و حتی چه بسا برای خود کارگرانی هم که از اول اعتصاب را آغاز کرده‌اند، کاملاً روشن نباشد. به علاوه، چون برنامه اعتصاب از قبل ریخته نشده و عده معینسی وجود ندارند که اعتصاب را تحت رهبری و هدایت خود در آورند، و در مراحل مختلف آن، از قبیل اینکه مثلاً کارگران در کجا جمع شوند، در صورت لزوم چه شعارهایی بدهند، در داخل قسمت‌ها بمانند یا در محوطه کارخانه جمع شوند، در مقابل حیل‌های کارفرما و مقامات مزدور کارخانه چه کنند، اگر رئیس کارگزینی یا مدیرعامل در صد اخراج یا تهدید بعضی از کارگران برآید، بقیه کارگران چکار باید بکنند، ناچه مدتی باید به اعتصاب ادامه داد، و... مسائل بسیار دیگری از این دست، از قبل حساب نشده‌اند، از همین جهت اعتصاب یک جریان خود بخودی را طی میکند و چه بسا که مثلاً یک توب و تشر کارفرما یا مدیرعامل، کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف کند، یا کارفرما با وعده و وعیدهای درونی و مقداری سرکارگران شیره مالیدن، آنها را وادارد که سرکارشان برگردند، و خیلی مسائل و مشکلات دیگری که در صورت خود بخودی بودن اعتصاب و عدم رهبری آن پیش می‌آید.

نوعه‌های فراوان اعتصابات مختلفی که یا به شکست انجامیده‌اند یا آنطور که باید و شاید کارگران نتوانسته‌اند به تمام یا اکثر خواسته‌های خود برسند، همگی در بررسی نهائی به اینجا ختم میشوند که کارگران از

يك رهبری معینی در میان خودشان بر خوردار نبوده اند . این چیز است که بسیاری از کارگران نیز پس از شکست اعتصابشان بطور غریزی ، ضرورت آنرا درك کرده اند . روی همین اصل است که وجود رهبری در هر اعتصاب از اولین لوازم پیشبرد اعتصاب و به پیروزی رسانیدن آن است . و هسته های کارگری در واقع همان رهبری کنندگان مبارزات کارگران هستند .

البته يك نکته دیگر را هم در اینجا باید توضیح دهیم و آن اینکه در حال حاضر سندیکا هائی که در هر کارخانه وجود دارند و همچنین نمایندگان کارگران ، اگر واقعاً از طرف خود کارگران انتخاب شده باشند و طرفدار حقوق کارگران باشند ، میتوانند از بهترین رهبران اعتصاب باشند . ولی در شرایط دیکتاتوری و خفقان کشور ما ، چنین نمایندگانی یا سندیکا هائی هرگز انتخاب نمیشوند و تازه در صورت انتخاب هم هرگز نمیتوانند دوام بیاورند و در صورت فعالیت ، یا اخراج شده و یا به زندان می افتند . از همین جهت آنچه که ما امروزه در اکثر کارخانه ها مشاهده میکنیم اینست که تقریباً تمامی نمایندگان یا سندیکا های کارگری ، نه از طرف کارگران ، بلکه از طرف کارفرمایان انتخاب شده و وابسته به کارفرما هستند . يك چنین نمایندگان یا سندیکا هائی بظاهر حافظ منافع کارگراند ولی در اصل از منافع سرمایه داران دفاع میکنند . آنان سعی میکنند کارگران را حتر الامکان از اعتصاب باز دارند . بعضی از آنان حتی آنقدر بیشراف و مزدورند ، که کارگرات فعال را شناسائی کرده و به کارفرما معرفی میکنند . این قبیل نمایندگان و سندیکا ها همیشه سعی میکنند میان کارگران و کارفرما

سازش برقرار کرده و دشمنی ذاتی میان کارگران و کارفرمایان را ماستمالی کند. وجود یک چنین نمایندگان و سندیکا های مزدوری در دوران حکومت استبدادی محمد رضا شاه، کاملاً طبیعی است چراکه سرمایه داران در زمان حکومت سر نیزه و خفقان شاه هرگونه حق کسی ای را براحتی بر کارگران روا میدارند. و به این ترتیب ضمن اینکه اگر نمایندگانی یا سندیکای خویشی باشد که از منافع کارگران دفاع کند، آن را بلافاصله برکنار یا منحل میکنند با یک انتخابات ساختگی و تقلبی نمایندگانی یا سندیکای مورد نظر خودشان را سرکاری آورند. از همین روست که کارگران به هیچ وجه نمیتوانند به نمایندگان یا سندیکا های خود اعتماد کنند. و در نتیجه ناچارند خود از میان خود همتهائی (گروههائی) بوجود آورند که به هیچ وجه وابسته به سرمایه داران نبوده و حافظ واقعی منافع کارگران باشند.

بات

همانطور که گفتیم این همته های کارگری نقش بسیار مهمی در اعتصابات

و کلاً در تمام مبارزات کارگران بازی میکنند. اما ببینیم بطور روشن این همته ها چگونه تشکیل شده و چه وظایف و کارهائی دارند:

● ۱. همته های کارگری چگونه باید تشکیل شوند؟

همته های کارگری معمولاً از ۳ - ۴ نفر از کارگران فعال و پیشرو تشکیل میشوند. کارگران تشکیل دهنده همته باید کاملاً به یکدیگر اعتماد داشته باشند. بعلاوه این کارگران بهتر است در کارخانه سابقه کار نسبتاً زیادی داشته باشند تا بقول معروف، حرفشان برای سایر کارگران خریدار داشته باشد. این کارگران اگر هر یک از قسمت های مختلف

کارخانه باشند و خیلی بهتر میتوانند کارگران کارخانه را تحت رهبری خود در آورده و دامنه کارشان وسعت بیشتری داشته باشد. کارگران تشکیل دهنده هسته باید با تلاش و کوشش فراوان دست به فعالیت در میان سایر کارگران کارخانه زده و در جهت آگاه کردن آنها به حقوق حقه شنا و ظلم و ستمی که کارفرما در حق آنها میکند، و آماده کردن کارگران برای مبارزه بر علیه سرمایه داران و ... بکوشند.

● ۲. وظایف هسته های کارگری

هسته های کارگری وظایف بسیار مهمی به عهده دارند. وظایف هسته ها را بطور عمده به دو بخش میتوان تقسیم کرد: الف - وظایفی که در زمینه اعتصابات به عهده آنهاست. ب - وظایفی که در سایر مواقع به عهده دارند.

● الف. وظایف هسته ها در زمینه اعتصابات

هدف هسته در یک اعتصاب بطور کلی باید عبارت باشد از اینکه:
 ● تعداد هر چه بیشتری از کارگران کارخانه و حتی الامکان همه آنها را به اعتصاب بکشاند طوری که تولید کاملاً بخواهد.
 ● اعتصاب را آنقدر ادامه دهند تا کارفرما را بزانود در آورده و به خواسته هایشان برسند.

اکنون به شرح جزئی به جز این وظایف بپردازیم:
 اعضای هسته وقتی مشاهده کردند که کارخانه تا حدودی آماده اعتصاب بوده و مسئله ای از قبیل مثلاً نداشتن سود ویژه از طرف کارفرما

کمی دستمزدها را مسکن و ۰۰۰ پیش آمده است که کارگران باید دست به اعتصاب بزنند، بلافاصله باید در صد راه انداختن اعتصاب برآیند. آنان ابتدا دور یکدیگر جمع شده و برنامه اعتصاب را می‌ریزند. مسائلی که در این نشست اعضای هسته باید با یکدیگر صحبت کرده و به توافق برسند، اینها هستند.

- ۱ - زمان شروع اعتصاب: زمان شروع اعتصاب حتی الامکان بهتر است مواقعی باشد که کارگران تازه مساعده ۱۵ روز اول ماه یا حقوق آخر ماه را گرفته اند. چون در این صورت کارگران با پشتگیری بیشتری به استقبال اعتصاب خواهند رفت و ترس از شکست اعتصاب و نپرداختن حقوق، بی پولی و... برای آنها وجود نخواهد داشت. البته این مسئله حتمی نیست و مثلاً اگر می‌خواهیم روز دهم ماه اعتصاب را شروع کنیم و حقوق نیمه اول ماه را بیستم ماه می‌دهند، بهیچ وجه صحیح نیست اعتصاب را ده روز عقب بیندازیم. (البته در صورتیکه کارگران در میان خود صندوق تعاونی داشته باشند مسئله بی پولی کارگران در روزهای اعتصاب کاملاً حل شده خواهد بود. بعلاوه کمک‌هایی را هم که در چنین مواقعی سایر طبقات و اقشار جامعه به حمایت از کارگران اعتصابی می‌توانند انجام دهند، از قبیل دانشجویان، بازاریان و... نباید فراموش کرد) بهر حال اعضای هسته باید روز و ساعت شروع اعتصاب را تعیین کنند.
- ۲ - چگونگی رساندن خبر اعتصاب به سایر کارگران: چون فعالیت اعضای تشکیل دهنده هسته نقش شان در اعتصاب کاملاً باید از نظر

سایر کارگران پوشیده بهمانند و به اصطلاح مخفی باشد، از همین جهت خبر زمان شروع اعتصاب را باید حتی الامکان بطور غیر مستقیم به اطلاع کارگران برسانند. در این مورد میتوان از طریق رساندن خبر به کارگران مورد اعتماد، که آنها نیز خبر را به سایر کارگران برسانند، جریان را به اطلاع کارگران رسانید. همچنین میتوان از طریق پخش نوشته‌های در کارخانه که در آنها علت اعتصاب، زمان شروع اعتصاب، خواسته‌ها و یا هر راهنمایی دیگری که در مدت اعتصاب لازمی آید، درج شده است، کارگران را مطلع کرد. اعضای هسته این نوشته‌ها را با کپی میتوانند به تعداد مورد لزوم تکثیر کرده و سپس با چسباندن نشان در توالی، دستشویی، ریختنشان در بخشهای مختلف، در داخل سرویسها، در غذاخوری، و... کارگران را با خبر کنند. یاد آوری میکنیم که کارگران مطمئنی که جریانات را به وسیله آنها به اطلاع سایر کارگران میرسانیم هرگز نباید بدانند که دستورات یا راهنمایی‌ها را از یک عضو هسته دریافت میکنند. بلکه باید بعنوان یکی از کارگران عادی با آنها صحبت کرد. در مجموع باید ارتباط فعالی در مدت اعتصاب، بین هسته و سایر کارگران وجود داشته باشد.

۳- خواسته‌هایی که باید مطرح شوند: برای اینکه کلیه کارگران از علت اعتصاب و همچنین خواسته‌هایشان با خبر باشند و در این مورد همگی وحدت نظر داشته باشند، اعضای هسته باید خواسته‌ها را مشخص کنند. معمولاً در هر اعتصاب کارگران، یک یا چند خواسته اصلی دارند و تعدادی هم خواسته‌های فرعی. خواسته‌های اصلی همانهایی هستند که اصولاً اعتصاب بخاطرشان راه افتاده است. مانند افزایش

دستمزد، حق مسکن، سود، ویژه، و... خواسته های فرعی نیز مانند دادن
 وسایل ایضی، رسیدگی به بهداشت کارخانه، افزایش دوش های آب گرم و...
 هستند. اعضا هستند ابتدا خواسته های اصلی و سپس خواسته های فرعی
 را تعیین کرده و آنها را در کافذهائی نوشته، تکثیر کرده و در کارخانه
 پخش میکنند. حتی میتوان خواسته ها را با خطی درشت بر روی مقواهای
 بزرگتری نوشته و آنها را در بخشها و قسمتهای مختلف کارخانه آویزان کرد،
 تا حتی الامکان همه کارگران از نوع و میزان خواسته هایشان با خبر شده و
 بدانند برای چه چیز هائی اعتصاب کرده اند. نکته دیگر اینکه اگر جـزـه
 خواسته ها مثلاً افزایش دستمزد یا حق مسکن یا... نیز وجود داشت
 باید حتماً میزان این افزایش دستمزد تعیین شود که مثلاً ۲۰٪ یا ۳۰٪ یا...
 است همچنین میزان حق مسکن درخواستی که ۴۰۰ تومان یا ۵۰۰ تو
 یا... است.

۴ - محل تجمع کارگران: محل تجمع کارگران در زمان اعتصاب حتماً
 باید در محوطه کارخانه باشد و از پخش شدن کارگران در سر قسمتها و
 پشت دستگاههایشان، حتماً جلوگیری کرد. ما بارها این را تجربه کرده ایم
 که وقتی کارگران در سر قسمتهای خود پراکنده بوده اند، و در پشت
 دستگاهها نشسته اند، نمایندگان مزدور یا مقامات کارخانه با صحبت با
 بخشی از کارگران و تحت فشار قرار دادن آنها بهناوین مختلف، توانسته
 اند کارگران یک بخش را بکار واداشته و بدین ترتیب بتدریج سایر کارگران را
 نیز بکار واداشته و در نتیجه اعتصاب را با شکست مواجه کرده اند. از همین

جهت لازم است که کارگران حتماً در یک نقطه دور یکدیگر جمع باشند و از پراکندگی خودداری کنند تا در مقابل حیلہ گریها و تهدیدهای مقاصت کارخانه نیز بتوانند بطور جمعی ایستادگی کنند. این جمع شدن کارگران و فایده دیگری هم دارد و آن اینکه اعضای هسته کارگران مورد اعتماد خود را و میدارند که سایر کارگران را در ستاهای مختلف به بحث و گفتگو در مورد اعتصاب، حق کارگران و ستمها و اجحافات سرمایه داران بکشانند و با در میانشان نوشته‌هایی در راهنمایی اعتصاب پخش کنند.

هـ - با کارگران خایمال و اعتصاب شکن و کارگران ناآگاه چه باید کرد؟
در این مورد اعضای هسته باید به سایر کارگران بیاوزانند که با کارگران ناآگاهی که از شرکت در اعتصاب خودداری میکنند با توجه به اینکه ایمنی شرکت نکردن ناشی از ترس آنها از اخراج و ناآگاهی آنها به منافع طبقاتی شان است و اینکه آنها هنوز نتوانسته‌اند درک کنند که تنها در جریان مبارزه جمعی و تشکل و از راه اعتصاب است که میتوان در این جور مواقع حق خود را گرفت از همین جهت باید سایر کارگران با آنها صحبت کرده و با قبولاندن ضرورت اعتصاب به آنها، آنها را وادارند که در اعتصاب شرکت جویند.

اما در مورد کارگران خایمال و اعتصاب شکنی که ضمن شرکت نکردن در اعتصاب بخاطر اینکه خودشان به تنهایی به نان و نوا می برسند و مثلاً رجه شغلی شان بالا برود حتی در اعتصاب کارشکنی هم کرده و سعی میکنند از شرکت بقیه کارگران در اعتصاب جلوگیری کرده و یا در زمان اعتصاب از جمع

کارگران اعتصابی خارج شده و حاضر میشوند کار را شروع کنند در مورد این کارگران حتماً باید خشونت بکاربرد. تهدید کردن و کتک زدن این کارگران، از بهترین شیوه هاست که اگر چه ممکن است آنها را وادار به شرکت در اعتصاب نکند، اما از کارشکنی ها و اعتصاب شکنی های آنان حتماً جلوگیری خواهد کرد.

۶- با مخالفتها و کارشکنی های کمک فورنها، سرپرستها، فورنها، نمایندگان کارگران و سندیکا چه باید کرد؟ - در این مورد نیز همته بایسد به کارگران پیاموزد که در مقابل کارشکنی ها و مخالفت های این دسته، با "هو" کردن آنها مانع خرابکاری شان در اعتصاب شوند. حتی در صورت پافشاری آنها در گول زدن یا ترساندن کارگران، باید کتک شان نیز زده نباید گذاشت این قبیل اشخاص مزدور، با تعدادی از کارگران که معمولاً کارگران بخش خودشان هستند، سر صحبت را باز کرده و با ترساندن کارگران، در رو در بایستی قراردادن کارگران، و با حیلہ گیری، آنها را از جمع سایر کارگران جدا کنند. باید با هو کردن مانع حرف زدن آنها شد.

با مدیر عامل کارخانه یا رئیس کارگزینی یا نماینده وزارت کار نیز کارگران را باید آموخت که هرگز نگذارند آنها با چرب زبانی، وعده و وعید یا ترسانند کارگران، آنها را وادار به شکستن اعتصابشان بنمایند. آنها را هم بمحض مشاهده چنین کاری باید شدیداً هو کرد. آنقدر که از رو رفته و بی کارشان بپروند. منتهی باید برای تحقق خواسته ها از کارفرما خواست که اجسرای خواسته ها را بطور کسبی ضمانت کرده و برای کارگران بخشنامه کند. کارگران

نیز تنها در آن صورت حاضر بکار میشوند. کارگران احتیاجی به مذاکره با کارفرما ندارند آنها خواسته هائی دارند که مشخص است و کارفرما باید عملی کند.

۷- مدت اعتصاب: بسیاری مواقع پیش می آید که کارفرمایان برای مایوس کردن کارگران، از تسلیم شدن به خواسته های آنها خودداری کرده و اعتصاب را طولانی میکنند. در چنین مواقعی اوضاع مالی خراب کارگزاران کارگران مردد و... عواملی هستند که در اثر طولانی شدن اعتصاب، جهان را بضرر کارگران و به نفع کارفرما بر میگردانند. برای جلوگیری از این عوامل و ایجاد آمادگی در کارگران برای تحمل یک اعتصاب طولانی، پیشاً اولاً: همچنان که گفتیم صندوق تعاونی در میان کارگران بوجود آورد (در این مورد توضیحات لازم را در مقاله دیگری به اطلاع رفقای کارگر خواهیم رسانید) تا در چنین مواقعی که کارگران در اثر نگرش حقوق، دچار تنگ دستی می شوند از پول آن صندوق استفاده کند. ثانیاً: در چنین مواقعی باید سایر قشرها و طبقات جامعه نیز مانند دانشجویان و بازاریان بکمک کارگران بشتابند.

در مورد کارگران مردد نیز که به علت عدم استواری لازم در ادامه دادن یک مبارزه طولانی با سرمایه داران، خیلی زود مایوس و دلسرد میشوند، باید سایر کارگران با قاطعیت برخورد کرده و از جدا شدن آنها از صفوف خودشان جلوگیری کنند (البته طبیعی است که عدم استواری این کارگران چیزی نیست که با مقداری توضیح و برخورد قاطعانه رفع شود و مسلماً

این کارگران احتیاج به یک آموزش دراز مدت و بیشتری دارند که این آموزش جزء وظائف هسته در دوران غیر از اعتصاب است و ما در شماره بعدی کارگر به پیش^۲ به تشریح آن خواهیم پرداخت.

در ضمن، این لزوم ادامه دادن اعتصاب از جانب کارگران، مربوط به موقعی است که کارفرما لجبازی کرده و حاضر نمیشود خواسته های کارگران را بپذیرد. ولی اگر وی برای انجام این خواسته ها چند روزی مهلت خواست کارگران باید مهلت معینی را تعیین کرده و بسر کار بازگردند. اگر در پایان مهلت کارفرما به حرفش عمل کرد که هیچ، اگر نکرد، کارگران باید آماده باشند تا دوباره دست به اعتصاب بزنند.

هسته باید به کارگران بیاورد که هرگز نباید از طولانی شدن اعتصاب، هراسی به دل راه دهند. طولانی شدن اعتصاب خیلی بیشتر از آنکه به کارگران ضرر بزند، به سرمایه دار ضرر میزند. اگر کارگران، روزی ۶۰-۵۰ تومان مزد خود را از دست میدهند، سرمایه دار در اثر اعتصاب، روزی صد ها هزار و گاهی میلیونها تومان سودش را از دست میدهد. بعلاوه اگر اعتصاب با موفقیت به پایان برسد، کارگران مزد روزهای اعتصاب را هم خواهند گرفت. ما کارخانه هائی را سراغ داریم که هفته ها به اعتصاب خود ادامه داده اند تا توانسته اند کارفرما را بزانو در آورند. از جمله اعتصاب کارگران مبارز کیان طایر (بی اف گود ریج سابق) و بوتان در ۳-۲ سال پیش که حدود ۲۵ روز طول کشید. یا اعتصاب اخیر کارگران مبارزو مقاوم پالایشگاه نفت تهران که یکماه طول کشیده است. همچنین اعتصاب اخیر / ۸۰۰۰ کارگر

و کارمند کشت و صنعت کارون (اهواز) که دو ماه بطول انجامیده است .
هسته

۸ - شعارهایی که کارگران باید در طول اعتصاب بدهند : اعضای

باید شعارهایی را از قبل درست کرده و در مدت اعتصاب آنها را به
کارگران بدهند تا با دادن شعارها بطور دستجمعی ، اتحاد خود را
مستحکم تر کرده و وحدت بیشتری در میان خود بوجود آورند . این شعارها
بهتر است که تا حدی شعرگونه باشند .

۹ - جلوگیری از خروج تولیدات از کارخانه : سرمایه داران

همیشه مقداری بیش از فروش هر روز تولید میکنند و تولیدات اضافی را
انبار میکنند . در زمان اعتصاب که کالائی تولید نمیشود ، سرمایه داران ،
تولیدات انبار شده را بفروش می رسانند و بدین ترتیب ، هم فروششان را از
دست نداده و همچنان سود لازم را بدست می آورند ، وهم اعتصاب
کارگران را بی اثر میکنند . از همین جهت ، هسته باید کارگران را وادار
کند که پس از شروع اعتصاب ، از خروج کالاهای تولید شده از انبار ، جلوگیری
کنند و مانع خارج شدن تولیدات از کارخانه شوند ، بصورتی که
سرچشمه سود ببری سرمایه دار ، در مدت اعتصاب ، کاملاً خشکیده
و او را هر چه زودتر بتوانند به زانو در آورند .

کارگران مبارز کانادان رای و شیشه سازی میرال در اعتصاب اخیرشان
(مهر ۵۷) با مانع از خارج شدن کامیونهای حامل نو شابه و همچنین
شیشه های ساخته شده ، از کارخانه ، توانستند جلوی فروش کارفرمنا را
گرفته ، و در نتیجه او را زودتر بزانو در آورند .

۱ - پشتیبانی از کارگران اخراجی؛ اصولاً هسته ضمن اینکه همیشه باید سعی کند خود شناخته نشده و لو نرود که این لو رفتن طعنه به اخراج یا دستگیری اعضای آن شود. بسیاری کارگران نیز باید بیاورند که از کارهایی که موجب شناخته شدن و انگشت نما شدن نشان در محیط کارخانه میشود، جداً خودداری کرده و به کارفرما این امکان را ندهند که در آخر اعتصاب بتواند تعدادی از کارگران خوب و فعال کارخانه را اخراج کند. اما در هر حال، در صورت وقوع چنین اتفاقی، یعنی اخراج تعدادی از کارگران فعال، بلافاصله هسته باید اعلام اعتصاب کرده و حتی در صورتی که کارگران به خواسته هایشان هم رسیده باشند، مجدداً اعتصاب را راه بیندازد و آن را تا برگرداندن تمامی رفقای اخراج شده یا آزادی آنها (در صورتی که دستگیر شده باشند) ادامه دهد.

رفقای کارگر! ما در شماره آینده "کارگر به پیش" به وظایف هسته هادر اوقات غیر از اعتصاب، همچنین به مسائلامنیتی که هسته ها باید برای حفظ خود از لو رفتن و اخراج یا احمیاناً افتادن بدام پلیس و رعایت کنند، و نیز به خود سازی هسته ها، خواهیم پرداخت.

پیروز باشید.

تشکیل هسته های کارگری اولین قدم در راه ایجاد سازمان واقعی کارگران است!

● نظام سرمایه داری، و

اشکال مختلف پرداخت مزد

نظام سرمایه داری همچون نظام های برده داری و فئودالی، بر اساس استثمار و بهره کشی انسان از انسان، و ظلم و ستم طبقات دارا و حاکم بر طبقات زحمتکش و بی چیز بوجود آمده است. اما همانطور که نظام فئودالی با نظام برده داری تفاوتی دارد، نظام سرمایه داری نیز با دو نظام قبلی تفاوتی دارد. بوجود آمدن نظام سرمایه داری شرط و شروطی دارد. یکی از این شروط اینست که سرمایه یعنی پول در مالکیت عده کمی از افراد جامعه قرار گیرد و آنها این سرمایه را برای زیاد شدن و بدست آوردن سود، بکار بیندازند. این عده در جاه طایفه سرمایه داران یا بورژواها را تشکیل میدهند. این سرمایه داران دولتی تشکیل میدهند که بکلمه آن، حکومت را در اختیار خود قرار میدهند. یکی دیگر از شروط ایجاد نظام سرمایه داری اینست که عده بسیار زیادی از افراد جامعه، برای گذران زندگی و بدست آوردن وسائل معیشت خود و خانواده شان، صاحب هیچ ابزار تولید نباشند تا با کار انداختن آن، احتیاجاتشان را برآورده سازند و در نتیجه

مجبور باشند بخاطر ادامه زندگی، بکار مزدوری برای آنهایی که مالک ابزار تولید و سرمایه هستند، یعنی سرمایه داران بپردازند. و شرط فوق، یعنی وجود سرمایه داران و کارگران مزد بگیر، لازم و ملزوم یکدیگرند یعنی مثلاً بدون وجود سرمایه داران، طبقه ای هم به اسم کارگران وجود نخواهد داشت (چون کارگران عده تا سابقه شان یا به روستاها و زراعت بر میگرد یا به کاسبکاری و پیشه وری).

از همین جهت لازمه وجود روابط سرمایه داری در جامعه، وجود دو طبقه کارگر و سرمایه دار است. این دو طبقه در جریان تولید، روابطی با یکدیگر پیدا میکنند که به آن روابط تولیدی سرمایه داری میگویند. سرمایه داران با پولشان، زمین، کارخانه، ماشین آلات، مواد اولیه، و... و خلاصه کلیه لوازم و وسائل مورد نیاز برای تولید را خریداری کرده و به مالکیت خودشان در می آورند. ولی قصد آنها از خریدن این وسائل چیست؟ آیا برای اینست که این وسائل را بفروشند؟ مسلماً نه. چون اگر می خواستند بفروشند که دیگر لازم نبود بخرند. آیا برای اینست که این وسائل را انبار کنند؟ باز هم نه. چون در این صورت این وسائل در انبارها بتدریج می پوسند و از بین میروند. بلکه قصد آنها اینست که بوسیله این ابزار، مواد اولیه را به کالا های جدیدی تبدیل کنند و کالاهای تولید شده را بخاطر کسب سود بیشتر، هر چه بیشتر و گرانتر در بازارها بفروشند. ولی از آنجا که این ابزار تولید بخودی خود قادر به انجام چنین کاری نیستند، سرمایه داران به ابزار تولید دیگری به

کالای زنده ای احتیاج دارند که بتوانند ماشین ها را بحرکت درآورد. و مهتر اینکه، این کالای زنده با کار خودش ارزشی بیشتر از آنچه که مصرف میکند، بوجود آورد. لذا سرمایه داران بدنبال تهیه این کالای زنده میروند. اما در کجا؟ آنها این کالا را بزودی در جامعه سرمایه داری پیدا میکنند. بقول مارکس، آنها این کالا را در گوشت و خون کارگران پیدا میکنند. در نزد کارگری پیدا میکنند که برای ادامه زندگی خود و خانواده اش، احتیاجاتی دارد که باید آنها را بدست آورد. در حالی که خود، مالک هیچ ابزار تولید و سرمایه ای نیست تا آنها را بکار گرفته و محصول کارش را در بازار بفروشد. در نتیجه این کارگر تنها دارائی اش یعنی نیروی کارش، نیروی جسمی و فکریش را در ازای مزد بخور و نمیری به معرض فروش میگذارد. به این ترتیب وقتی این دو نفر، یا کلاً ایمن دو طبقه (یعنی سرمایه دار و کارگر) با احتیاجات متفاوت، یکی برای بدست آوردن سود بیشتر و دیگری برای تهیه وسائل معیشت بیکدیگر میرسند، معامله خرید و فروش نیز شروع میشود.

سرمایه دار، خریدار است و کارگر، فروشنده. نیروی کار کارگر هم کالا است. این خرید و فروش اولین رابطه و تماسی است که در مناسبات و روابط جامعه سرمایه داری، میان طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر برقرار میشود. در عین حال این مسئله مزد، بصورت مسئله بسیار مهمی در جامعه سرمایه داری در می آید چرا که در جریان این خرید و فروش و اصولاً در جامعه متکی به کار مزدوری و تولید کالائی، این دستمزد است که از یکطرف

باعث موجودیت روابط سرمایه داری شده و کارگر و سرمایه دار را بهم نزدیک میکند و در رابطه با یکدیگر قرار میدهد و از طرف دیگر آنها را دائماً در مقابل یکدیگر و در حال مبارزه با یکدیگر قرار میدهد.

درست از همین تماس و رابطه است که سرمایه‌های سرمایه‌داران و دولت سرمایه داری برای هر چه ارزانتر خریدن نیروی کار و پوشانیدن واقعیت شروع میشود.

گفتیم که سرمایه داران نیروی کار کارگر را میخرند و مزدی که بخواهند بدهند ظاهراً قیمت همین نیروی کار است که از کارگر خریدند. بنابراین این ابتدا نیروی کار و ارزش آنرا مشخص میکنیم.

نیروی کار عبارت از آن نیروی جسمی و فکری است که در بدن کارگر وجود دارد و به او توانایی کار کردن میدهد. مسلماً این نیرو در طول زندگی انسان بوسیله تغذیه، پوشاک، بهداشت و بطور کلی آنچه که انسان از نظر مادی و معنوی به آن احتیاج دارد، بوجود آمده و تأمین شده است. ولی آیا این نیرو تمام نشدنیست؟ مسلماً نه. چرا که انسان با کار کردن این نیرو را از دست میدهد و برای اینکه بتواند آنرا جبران کند بهمان اندازه انرژی، یعنی خوراک، پوشاک، و... لازم دارد تا صرف کند. کارگری که در روز ۸ ساعت و معمولاً حتی بیشتر تا ۱۲ ساعت کار میکند و انرژی مصرفی نماید، عضلاتش خسته و کوفته میشود و احتیاج به تغذیه خوب دارد. برای حفظ خود به پوشاک مناسب احتیاج دارد. برای جلوگیری از بیماری احتیاج به بهداشت و درمان دارد. در اثر کار

کردن زودتر فرسوده و نا توان میشود و از کار کردن می افتد ، لذا با سه استراحت بیشتر احتیاج دارد و برای دوران بعد از کار هم باید بفکر باشد و مهتر اینکه خانواده ای دارد که باید آنها را تأمین و حفظ کند . پس می بینیم که اگر سرمایه داری بخواهد ارزش واقعی نیروی کار کارگر را حساب کند بایستی تمام این احتیاجات مادی و معنوی وی را برایش بر آورده سازد . هر چند که در جوامع سرمایه داری قیمتها دائماً در نوسانند و کم و زیاد میشوند و در کشور ما نیز بخاطر استثمار و غارت وحشیانه ثروت ملی و تهره کار میلیونها نفر زحمتکش میهنمان بوسیله امپریالیستهابخصوص امپریالیستهای آمریکائی و طبقه حاکمه ایران بسرکردگی شاه خائن ، این قیمتها روز بروز افزایش می یابند ، ولی چون ارزش نیروی کار هم بستگی به همان قوانینی دارد که ارزش کالا های دیگر را تعیین میکنند ، بایست مناسب با آنها باشد و همیشه معادل ارزش آن مقدار کالای مصرفی می باشد که برای تجدید نیرو و حفظ و نگهداری کارگر و خانواده اش لازم^{ست} . این مسئله خیلی روشن است . چون در شرایط روز مره و عادی وقتی بین کارگر و کار فرما صحبت از میزان مزد کارگر پیش می آید ، اولین مسئله ای که بنظر کارگر میرسد و بر اساس آن مزد مورد نیازش را تعیین میکند ، احتیاجات اولیه برای زندگی خود و خانواده اش در تمام زمینه نکات مادی و معنوی است و اگر بر سر میزان مزد با کار فرما به توافق نرسد چه این دلیل است که کارگر وقتی با خودش حساب کرده ، متوجه شده که با این مزد نمیتواند احتیاجاتش را بر آورده سازد . ولی همیشه چگون

سرمایه داران از پشتیبانی دولت برخوردارند، با استفاده از قوانین وزارت کار و... مزد های بسیار پائینی را بکارگران تحمیل می کنند و کارگران هم بخاطر اینکه از همین حد اقل مزد محروم نمانند، تن به کار و سازش با سرمایه داران می دهند. اما سرمایه داران و دولت آنها هیچ وجه دوست ندارند که این حسابهایی را که یک کارگر برای احتیاجات خود می کند، بکنند. و یا اگر هم بکنند حتی الامکان سعی می کنند که این احتیاجات را خیلی کم و غیر واقعی حساب کنند. این بوضوح از مزدی که بکارگران می دهند و معمولاً بسیار پائین تر و کمتر از حد اقل هزینه زندگی و وسائل معیشت اوست، معلوم می شود. به همین دلیل است که وقتی از یک سرمایه دار سؤال می کنیم: "در مقابل چه چیزی بکارگر مزد می دهی؟" جواب می دهد: "در مقابل ۸ ساعت کاری که می کند."

اولین حقه و نیرنگی که در این گفته او بچشم می خورد اینست که مزد را بهای کار جلوه می دهد و می خواهد بگوید که: "من در مقابل کار کارگر به او مزد می دهم نه نیروی کارش." در صورتیکه ما دیدیم کارگر کاری ندارد که بفروشد بلکه نیروی کارش هست که می فروشد. دومین حقه سرمایه داران اینست که ساعات کار را یکجا و بدون آنکه آنها از هم جدا کنند، حساب کرده و ارزش و بهای نیروی کار را بصورت دستمزد بعنوان تمام ساعات کار می پردازند و می خواهند نشان دهند که ۸ ساعت کار کارگر همین مقدار ارزش دارد و حق کارگر همینست. به این ترتیب که آنها مدت ۸ ساعت کار کارگر را بدو بخش لازم و اضافی یعنی آن بخش از کاری که

کارگر برای بدست آوردن لوازم معیشت خود انجام میدهد و آن بخش دیگری که بصورت رایگان برای سرمایه دار انجام میدهد، مشخص نمیکند و هر دو بخش را با هم یعنی همه مدت کار یک روز کارگر را بصورت کاری که در مقابلش مزد داده شده حساب میکنند. (۱)

(۱) - اقتصاد سیاسی، یعنی همان اقتصاد سوسبالیستو، کاره ساعت کارگر را بدو بخش لازم و اضافی تقسیم میکند. بخش لازم مدت زمانی است که کارگر در آمدت ارزشی (یعنی سود حاصل از فروش آن مقدار کالای تولید شده) معادل انرژی از دست رفته اثر تولید میکند، که بایستی همان مقدار هم مزد دریافت کند. و بخش اضافی مدت زمانی است که کارگر مجاناً برای سرمایه دار کار کرده و در مقابل نیروی که صرف کرده و ارزشی که بوجود آورده، مزدی دریافت نمیکند. حال در صورتی که مدت زمان کار اضافی را به کار لازم تقسیم کنیم، جوابی که بدست می آید میسران استثماری را که به یک کارگر تحمیل میشود، نشان میدهد که به آن درجه استثمار میگویند و با درصد مشخص میکنند:

$$\text{درجه استثمار} = \frac{\text{مدت زمان کار اضافی}}{\text{مدت زمان کار لازم}}$$

مثلاً اگر کارگری مزدی را که از بابت ۸ ساعت کار روزانه اثر دریافت میکند، برابر با ۴ ساعت کارش بدانیم و ۴ ساعت بقیه را در واقع مجاناً، برای سرمایه دار کار کرده باشد از تقسیم این دو بر یکدیگر، درجه استثمار بدست می آید که ۱۰۰٪ میشود:

$$\text{درجه استثمار } ۱۰۰\% = \frac{۴ \times ۱۰۰}{۴}$$

در ایران معمولاً درجه استثمار از ۳۰۰٪ هم تجاوز نمیکند. یعنی معمولاً کارگران از هر ۸ ساعتی که در روز کار میکنند فقط دو ساعت آنرا بصورت مزد دریافت میکنند و شش ساعت بقیه را مجاناً برای کارفرما کار میکنند.

این امر بخوبی نشان میدهد که چگونه سرمایه داران میکوشند تا جریان استثمار و بهره‌کشی کارگران را در جامعه سرمایه داری که بمراتب از دورانهای گذشته (دورانهای برده داری و فئودالی) شدیدتر و ظالمانه تر است، پوشیده نگهدارند. زیرا اگر در دوران برده داری کارگر که یک برده برای اربابش انجام میداد، تا احتیاجات زندگی خود شراب برآورده کند بخوبی معلوم بود که این کار را برای اربابش انجام میدهد و استثمار و بهره‌کشی از او واضح و روشن بود. یا در دوران فئودالی، کار بیگاری* که دهقان برای ملاک (صاحب زمین) انجام میداد، بوضوح معلوم بود که مثلاً دهقان چه مدتی را بر روی زمین ارباب بیگاری میکند و یا چه مقدار از محصول کارش را بصورت پیشکش و هدایا بخانه ارباب می‌فرستد. در حالی که در نظام سرمایه داری، آن قسمت از کاری که کارگران مجاناً برای سرمایه دار انجام میدهند، بوسیله دوز و کلک‌ها و حقه‌بازیهای دولت سرمایه داری و سرمایه داران، پوشیده می‌ماند.

بهمین جهت است که کارگران باید در نظر داشته باشند که تمام نظرات و افکار و راه‌حلهای خیر خواهانه‌ای که سرمایه داران، بظاهر به طرفداری از کارگران و بهبود وضع آنها بیان میکنند، همگی یا و همگی سرائیه‌های سراسر دوز و بی پایه و اساسی بیش نیستند. تمامی حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی که شاه و دولت ضد کارگر او و همچنین وزارت کار و سرمایه داران، از کارگران میکنند، و مرتب سنگ دفاع از منافع و حقوق آن‌ها را به سینه می‌زنند، فقط حقه‌ها و کلک‌هایی هستند که در جهت

شیره مالیدن سرکارگران و استثمار و بهره‌کشی هر چه بیشتر، از آنها میزند. زیرا تا زمانی که سرمایه دار بصورت خریدار نیروی کار و کارگر بصورت فروشنده نیروی کار و مزد بگیر وجود دارند، استثمار و بهره‌کشی طبقه سرمایه داران از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، وجود داشته و همیشه بیشتر از پیش کارگران مجبور میشوند برای سرمایه داران، کار مجانی انجام دهند و فشار زنجیر عائی را که سرمایه داران و نظام سرمایه داری بگردن و دست و پایشان بسته اند، بیشتر کنند.

سرمایه داران، مزد را به اشکال مختلفی به کارگران می‌پردازند. ولی با همه اختلافات ظاهری، این اشکال همگی درین مورد مشترکند و آن اینکه، کارگران همیشه چندین برابر مزدی که میگیرند، مجانی برای سرمایه داران سود تولید میکنند.



رفقای کارگر! ما ادامه این بحث را در مورد اشکال مختلف مزد، در شماره آینده کارگر، به پیش دنبال خواهیم کرد.

پیروز باشید.

کارگران در این مبارزه چیزی را از دست نمی‌دهند مگر زنجیرهایشان را
ولی جهانی را بدست خواهند آورد

"مانیفست کمونیست" آرشبو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

● نامه يك رفیق کارگر و مبارز

به گناه حق طلبی کارم را از دست دادم



علی سر جوانی - ورامین

حالا که دوران اختناق بسرآمده است و آنطور که از قراین برمی آید ظاهراً هر کس می تواند حرفش را بزند، من هم که یک کارگر ساده‌ای بودم می خواهم گوشه‌ای از آنچه را که در طول این سالها بر من گذشته است بیان کنم.

شانزده سال تمام از بهترین سالهای عمرم را با دریافت کمترین مزد به عنوان یک کارگر مکانیک در حرارت بالای ۵۰ درجه و در لابلای ماشین آلات عظیم تصفیه‌خانه قند ورامین طی کردم. و در این میان ۴ سال از این سالها را نماینده کارگران بودم که در طی آن برای احقاق حق کارگران بارها به مخاطره افتادم و تهدید و نگرانی یار همیشگی‌ام بود. در سال ۵۱ من و سه تن دیگر از نمایندگان کارگران در زمینه مسایل

کارگری و گرفتن بیمه کامل، اضافه حقوق و مزایای دیگر برای کارگران با مدیران کارخانه به مذاکره نشستیم، بعد از ساعتها صرف وقت حرفهایمان که بجای نرسید هیچ، بکرات تهدیدمان هم کردند و متعاقب آن بعد از یک درگیری لفظی مدت یک ماه و نیم از عمرمان را در گرفتاری بسر بردیم که بالاخره با بیان حرفها و اظهار ندامت‌های جویده شده‌ای که در دهانمان گذاشتند از گرفتاری خلاص شدیم و به سر کار باز گشتیم.

در سال ۵۲ مسئله طرح طبقه‌بندی مشاغل پیش آمد و درگیری‌های مجدد ما نمایندگان کارگران با مدیران کارخانه شروع شد. آنها در آن طرحی که پیاده کرده بودند می‌خواستند روزی یک ریال به عنوان مابه‌التفاوت طبقه‌بندی به حقوق ۱۲ تومانی کارگران اضافه کنند که باز هم ما نمایندگان زیر بار این اجحاف نرفتیم که باز سروکارمان به تهران افتاد و گرفتاری. بالاخره بجزم حق خواهی و حق طلبی با زور و تهدید حکم اخراجمان را با قبول کمترین مزایا کف دستمان گذاشتند. بعد از آن ماجرا من بارها و بارها به تمام مراجع قانونی مراجعه کردم و شکوائیه نوشتم و یکبار هم از طرف دربار طی نامه‌ای به وزیر کار دستور رسیدگی به کار مرا دادند که وزیر کار پیشین مرا از اتاقش بیرون کرد و گفت ما به این دستورالعمل‌ها وقتی نمی‌گذاریم. و حالا مدت ۴ سال تمام است که من و ۸ سرعایله‌ام سرگردان و بلا تکلیف مانده‌ایم.

از مسؤلین امر می‌خواهم لااقل کار از دست رفته‌ام را با احتساب شانزده سال سابقه کار به من بازگردانند. زیرا جز حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی خود کاری نکرده‌ام.

● کارگران عزیز!

آنچه ملاحظه کردید، عین خبری است که اخیراً در روزنامه کیهان، به تاریخ ۲۷ مهر امسال چاپ شده است و ما آن را برای آگاهی کارگران از گوشه ای از ظلم و ستم های فراوانی که از طرف رژیم ضد کارگر شاه خائن و سرمایه داران زالو صفت، در حق کارگران فعال و پیشرو میشود، در اینجا آورده ایم.

در این نامه میخوانید که چگونه وقتی در نظام سرمایه داری، آنها هم نظام سرمایه داری ایران که تا استخوان وابسته به سرمایه داری جهانی و امریال هم آمریکا است، کارگری در صد مبارزه برای بدست آوردن حقوق حقه سایر رفقای هم طبقه اش برمی آید، تمام زندگی و هستی خود را از دست داده، بارها به زندان می افتد (این رفیق کارگر از زندان رهن های خود بنام "گرفزاری" یاد کرده است) و از کار بیرون نمیکنند، سابقه ۱۶ سال زحمتکشی اش را در کمال بیشرمی بالا میکنند... و خلاصه از وحشیانه ترین فشارها و تهدیدها بر علیه او خود داری نمیکنند. نامه این رفیق کارگر به وضوح نشان میدهد که چگونه دربار شاه، وزارت کار، کارفرما و سایر ادارات و مؤسسات دولتی (که این رفیق از آنها با نام "مراجع قانونی" یاد کرده است) همگی سیستم بهم پیوسته ای هستند که فقط در جهت ضایع سرمایه داران کار میکنند. این نامه نشان میدهد که چگونه تمامی این مراجع هوائی یکدیگر را داشته و همگی در مقابل یک کارگر مبارز، که گناهی از حقوقی سایر همکاران کارگرنش بوده است، جبهه بندی کرده اند. نامه این رفیق

کارگر نشان میدهد که حرص و ولع سرمایه داران تا چقدر است که وقتی صحبت از پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل پیش می آید، کارفرما رکمال بیشرمی و زدالت سعی میکند طوری این طرح را در کارخانه پیاده کند که به حقوق اندک روزی ۱۲ تومان کارگران، فقط یک ریال اضافه شود. آخر پسته، و زورگوئی تا چه حد؟

اما در عین حال، نامه این رفیق کارگر مبارز و وفادار به طبقه خود، یک سؤال بسیار مهم دیگر را هم برای ما روشن میکند و آن اینکه در نظام سرمایه داری، در نظامی که حکومت سیاسی و اقتصادی جامعه، در دست تعداد اندکی سرمایه دار است، و بخصوص آنها سرمایه داری ایران، که بعلمت وابستگی اش به سرمایه داری آمریکا، شدیدترین و وحشیانه ترین دیکتاتوری های تاریخ را بر مردم ما تحمیل کرده است، هرگونه فعالیت و مبارزه در جهت بدست آوردن حقوق خود و سایر کارگران، عاقبتی جز اخراج و زندان و در بدری و از دست دادن سوابق کار و حقوق و ندارد. مازهمین جهت در چنین نظام استبدادی، مبارزه بشکل، حتی در راه احقاق حقوق صنفی و اقتصادی نیز، بطور عمده از راههای مخفی و غیر علنی امکان پذیر است. در چنین نظامی، از راههایی علنی از قبیل نمایندگی کارگران، از قبیل سندیکا و . . . هرگز نمیتوان در جهت منافع کارگران دست به مبارزه ای مداوم و طولانی زد. بهترین شکل ممکن مبارزه در راه احقاق حقوق طبقه خود ایجاد هسته های (گروههای) ۳-۴ نفره ای از کارگران فعال و پیشروی است که کاملاً یکدیگر

را شناخته و بهم اطمینان دارند. چنین تجمعی طبعاً باید بصورت مخفی باشد یعنی کسی از روابط گروهی این کارگران با یکدیگر خبر نداشته باشد. تنها از این راه است که میتوان با دست گرفتن رهبری اعتصابات و مبارزات کارگران، و هدایت آنها در جهت گرفتن حق شان، ضمن اینکه کار فرما را مجبور به عقب نشینی میکنند. خود نیز از نظر کار فرما و عوامل مزدوری شناخته نمیشوند. علاوه جریان این رفیق کارگر نشان میدهد که یک و تنها و یا سه چهار نفری در مقابل کار فرما قرار گرفتن، هرگز نمیتواند کاری از پیشبرد. سرمایه داران قدرت دارند، نیرو دارند و حکومت در دست آنهاست. یک تعداد نماینده ۴-۳ نفری در مقابل آنها قدرتی بحساب نمی آیند و نیروی ندارند. در چنین مواقعی کارگران باید از تنها سلاح خود و در عین حال قوی ترین سلاح خود یعنی اعتصاب یاری جویند. تنها در چنین صورتی است که با خوابیدن تولید، سرچشمه سود سرشاری که هر روز از دسترنج کارگران بجهت سرمایه داران می رود، خشکیده و آنها را ناچار بزانو در می آورد و او میدارد تا در مقابل خواسته های حق طلبانه کارگران عقب بنشینند.

اولین قدم کارگران در مبارزه متحد بر علیه سرمایه داران برای بدست آوردن حقوق حقه شان در شرایط خفقان کشور ما، ایجاد هسته های کارگران پیشرو برای بدست گرفتن رهبری مبارزات کارگران است.



● اخبار

کارگری

اعتراض و اعتصاب کارگران مبارز کارخانه تراکتورسازی (تبریز)

کارگران با یکدیگر قرار گذاشته بودند که اعتصاب را از روز ۱۸ شهریور که مصاف با اعلام حکومت نظامی بود، آغاز کنند. مقامات مزدور کارخانه که از جریان باخبر شده بودند، و حدس میزدند که اعتصاب در سطح بسیار وسیعی صورت خواهد گرفت و علاوه بر کارگران تراکتورسازی، کارگران کارخانه های ماشین سازی و آیدم نیز به همراه تراکتورسازی دست به اعتصاب خواهند زد. روز شنبه درهای کارخانه را بستند و از راه بیو اعلام کردند که این سه کارخانه به کلی تعطیل هستند. تعدادی از کارگران که از تعطیل شدن کارخانه باخبر نبودند، روز شنبه هرچه منتظر سرویسها شدند، از آنها خبری نشد و ناچار با تاکسی و اتوبوسهای مسافر بر خود را بکارخانه رساندند ولی با درهای بسته روبرو شدند. کارگران از مسئول حضور و غیاب، علت تعطیل شدن کارخانه را پرسیدند که در این موقع سرویسها گم شده و نماینده رسمی کارگران که وابسته به کارفرما بود پیدا شد. او برای کارگران

که ده شان لحظه به لحظه زیاد تر میشد و به / ۲۰۰ نفر میرسید شروع به سخنرانی کرد و گفت که حدود یکسال است که دارند برای کارگران خا میسازند و تا ۲۰ روز دیگر آماده میشود. کارگران که بخوبی دروغگوئی و خبیله گری نماینده مزدور را می شناختند شروع به هسو کردن او کردند و گفتند که او را نمیخواهند. نماینده سپس با پرروئی شروع به صحبت در باره دضر چه بیمه کرد که در این مورد نیز کارگران شدیداً به او اعتراض کردند. در همین موقع کارگران فریاد کشیدند: "زنده باد نگهبان، نگهبان رویت را برگردان." که در همین موقع تعدادی اعلامیه بصورت دست نویس میان کارگران روی هوا پخش شد. کارگران یکی یکی اعلامیه ها را برداشته و می خواندند و بعضی هم آنها را در جیبشان می گذاشتند (اعلامیه عیناً در پایان خبر آمده است) کارگران مطالب اعلامیه را با علاقه میخواندند و آنرا تأیید میکردند. اندکی بعد رئیس حفاظت کارخانه برای سخنرانی می آید ولی کارگران به او اعتنایی نمیکند. او در حالی که از بی اعتنائی کارگران بشدت ناراحت شده بود، با اوقاتخلی به کارگران گفت: "شما فرزندان من هستید کاری نکند که برای تان بد بشود. کارگران با فریاد میگفتند: "پس / ۶۰ میلیون تومان چه شد؟ آمدیم حقمان را بگیریم ولی شما درها را بستید" و سپس همگی شعار دادند که: "اتحاد مبارزه پیروزی". در این موقع رئیس آموزشگاه کارگران که فردی ساواکسی است سر میروند. کارگران به محض دیدن او داد میزنند که: "ما با حقو کاری نداریم و ما با وزیر کار کار داریم."

در این موقع خبر نگاری نیز برای تهیه گزارش از اعتصاب کارگران به سه میان کارگران می آید . ابتدا کارگران او را تهدید میکنند که اگر حقیقت را ننویسد ، به شدت تنگ خواهد خورد . سپس یکی از کارگران علت اعتصاب و خواسته های شان را برای خبرنگار شرح میدهد . در تمام این مدت کارگران دور رضیق خود که برای خبرنگار صحبت میکرد حلقه زده بودند تا بوسیله نگهبانان و مقامات کارخانه شناخته نشود . رئیس حفاظت کارخانه که می بیند نمی تواند حریف کارگران بشود ، با بیشرمی فرمانداری نظامی را خبر میکند . سرانجام پس از سه ساعت که از بحث و جنگ کارگران و شعار دادن نشان می گذرد ، دو ماشین روسی پر از مأمورین گارد و چهار ماشین روسی پر از سرباز و گروهان ارتشی و دو جیب روسی حامل فرمانده نظامی و چند تن دیگر سر میرسند و از ماشین ها پیاده میشوند . کارگران همگی برجای خود منتظر می مانند . در این هنگام فرمانده نظامی کسار می رود و تانکی که یک مسلسل بر روی آن سوار بود بطرف کارگران حرکت میکند و آنها را فراری میدهد . آنان حتی با بیشرمی چند تیر هوایی و زمینی نیز شلیک میکنند ولی خوشبختانه هیچیک از کارگران آسیبی ندیده و همگی فرار میکنند . در هر صورت اعتصاب کارگران شجاع و مبارز تراکتور سازی ، با وجود تمام این درو آن در زدن های کارفرما و مقامات مزدور کارخانه و همکاری شریrane دولت و ارتش با آنها ، شروع شده و همچنان ادامه می یابد .

و اینک متن کامل اعلامیه کارگران مبارز کارخانه تراکتور سازی:

پیش بسوی اتحاد!

سر نوشت طبقه کارگر چه عبرت آموز است . هر زمان ما کارگران برای گرفتن حق خود بپا خاستیم ، قانون سرمایه به جرم اخلاکری ، حق طلبی ما را محکوم ، پلیس سرمایه داران ما را سرکوب و وسندیکا های کارگری (بهتر بگوئیم سندیکا های سرمایه داری) ما را از کارخانه اخراج کرده اند پس بر ما عیان است که قانون حاکم ، پلیس و سندیکا ، همگی حاسی سرمایه داران هستند .

در هفته های گذشته که روز نامه ها تا حدی جرات منعکس کردن جریانات را پیدا کردند ، شاهد بودیم که برادران کارگر ما در اکثر کارخانه های ایران به نشانه اعتراض به ستمی که بر طبقه ما رفته و می رود بپا خاسته اند . اما این بار ، آگاهانه تر ، متحد و متفق و واکر این اتحاد همچنان مستحکم بماند ، سر نوشتمان را در گرو خود کرد . و آری به اتفاق جهان را می توان گرفت .

ما کارگران کارخانه تراکتور سازی ایران ، که سر نوشتمان جدا از سر نوشت طبقه ما نیست ، ضمن پشتیبانی قاطع از تمام کارگران ، به همراه مردم تحت ستم ایران برای پایان دادن به جور و ستم و فجایع بی حد و سرز هیئت حاکمه و بیرون راندن غارتگران خارجی از وطن ، تا رسیدن به

پیروزی از پای نخواهیم نشست . اتحاد ما ضامن پیروزی ما است .
خواسته‌های ما در حال حاضر :

- ۱ - ما کارگران بحق خواستار انحلال سازمانها و سندیکا های فرمایشی که اساسشان بر تجاوز به حقوق ما میباشد هستیم .
 - ۲ - ما کارگران برای احقاق حقوق پایمال شده مان ، خواستار تشکیل اتحادیه های کارگری که واقعاً مال ما باشد و از حقوق و حیثیت ما دفاع کند هستیم .
 - ۳ - ما مصرأ خواهان بازگشت فوری همکارانی که اخراج شده اند ، منجمله رضا حسینی و ساجدی بر سر کار هستیم .
 - ۴ - افزایش دستمزد ها .
 - ۵ - پرداخت حق مسکن به همه کارگران .
 - ۶ - صدور دسر چه بیمه خدمات درمانی برای همه کارگران .
 - ۷ - تصویب دو روز مرخصی استحقاقی در ماه .
 - ۸ - برای يك روز غیبت ، باید دستمزد همان روز کسر شود .
- ضمناً بدینوسیله تأکید میکنیم که بازگشت ما بکار مشروط به برآوردن خواسته‌هایمان می باشد .

کارگران کارخانه تراکتور سازی ایران

اعتصاب کارگران مبارز کارخانه کبریت سازی توکلی (تبریز)

کارخانه کبریت سازی توکلی وابسته به گروه صنعتی توکلی است. در این کارخانه / ۶۰۰ کارگر به کار مشغولند و سرمایه داران آن، همراهِ دوران توکلی و از جمله محمد تقی توکلی، وزیر سابق نیرو میباشند. کارگران این کارخانه همگی قدیمی و سابقه دار بوده و از سوابق مبارزاتی طولانی برخوردارند.

بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ مرداد امسال چند تن از نمایندگان کارگران نزد کارفرما رفته و از او میخواهند که مبلغ / ۱۰۰ تومان بدستور کارگران اضافه شود. کارگران هشدار میدهند که اگر با خواسته شان موافقت نشود فردا دست به اعتصاب خواهند زد. کارفرما نه تنها با افزایش دستمزد موافقت نمیکند، بلکه بهیچوجه و با بکار بردن کلمات رکیک میگویند که بمن مربوط نیست. کارگران نیز از روز یکشنبه کارها را تعطیل میکنند. رئیس کارخانه که از جریان اعتصاب با خبر شده بود، به همراه رئیس کلانتری ۳ تبریز و چند پلیس به کارخانه می آیند. حاج تقی توکلی، رئیس کارخانه با کارگران وارد مذاکره میشود. او ابتدا به کارگران قول میدهد که بابت پول افطار ماه رمضان / ۱۰۰ تومان به هر کارگر بپردازد. اما کارگران متحداً این پیشنهاد توکلی را قبول نکردند و یکی از

آنان میگویند: حاجی! / ۳۰ سال است که من کارگر تو هستم و روزی / ۳۲ تومان مزد میگیرم. میدانی من با این پول بزحمت می توانم نان خالی برای خانواده ام تهیه کنم و آنوقت بچه من مجبور است در سطل زباله همسایه دنبال پوست هندوانه بگردد. " یکی دیگر از کارگران گفت: " حاجی با اینکه روزه هستم اما چند ساعت بعد از افطار به خانه ام میروم تا بچه ها خوابیده باشند و از من چیزی نخواهند چون پولی ندارم تا خواسته هایشان را برآورده کنم. "

بدنبال سخنان کارگران، حاجی این بار پیشنهاد میکند که ماهیانه / ۱۰۰ تومان به دستمزد کارگران اضافه شود اما کارگران رنجبر کوه نیازشان بمراتب بیشتر از این اهدائی گدا صفانه توکل بود، آنها را نپذیرفتند. توکل مبلغ را به / ۱۰۰ تومان بالا برد. اما باز هم مورد قبول کارگران قرار نمیگیرد. کارگران مبارز با قاطعیت خواهان رسیدن به تمام خواسته هایشان بودند. خواسته های آنان عیناً نظیر خواسته های کارگران ماشین سازی تبریز بود و علاوه بر اضافه دستمزد پیشنهادی توکل، شامل موارد زیر نیز میگردد:

پرداخت / ۳۰۰ تومان هزینه مسکن.

پرداخت حق خوارو بار.

مرخصی بمیزان ۲۴ روز در سال.

این بار افسر پلیس که میدید حيله های توکل موثر واقع نشده و کارگران آگاه تر از آن هستند که گول خمیس بازیهای توکل را بخورند،

در جریان مداخله کرده و بکارگران میگوید که در این موقعیت فعلی برداشت دیگری از اعتصاب آنها میشود (منظورش این بود که از اعتصاب کارگران برداشتی سیاسی شده و در نتیجه برایشان بد خواهد شد) بنا بر این بهتر است که پیشنهاد رئیس کارخانه را بپذیرند و بسر کار باز گردند . کارگرانی که در افسر حلقه زده بودند به او اجازه پر حرفی نداده و یکی از کارگران رو به او کرده و گفت : " ما گرسنه ایم و هیچ چیز دیگر هم سرمان نمیشود . " یکی دیگر از کارگران گفت : " روزی پنج تومان اضافه دستمزد هیچ دردی را از ما دوا نمیکند مگر غیر از اینکه با پنج تومن فقط یک هندوانه میدان ؟ " کارگر دیگری گفت : " یک یخچال قسطی خریده ام ولی این یخچال از روزی که خریدم هنوز خالیه و فقط از آب خنک استفاده میکنیم . بچه ها و زن میگویند آخه مرد حسابی این یخچالو خریدی که لنگه کفش توش بنداریم ؟ خب شما بگین من چی جوابی به اونا بدم ؟ " کارگر دیگری میگفت : " جناب سروان من بیست ساله که اینجا کار میکنم / ۳۰ تومن هم مزد میگیرم . بخدا با این دستمزد حتی نمیتونم به پای دخترم یک میثاقی عوض کفش بکنم . " افسر که در مقابل رگبار صحبت های کارگران که همه حکایت از این زندگی سراسر رنج و درد آن ها میکرد ، در مانده شده و چیزی برای گفتن نداشت گفت : " اینها همه درست ، ولی کار فرما میگه که کارخانه ضرر کرده . " کارگری پاسخ داد : " درست میگه اما همینقدر بهم من از / ۴۰ سال قبل توی این کارخونه کار میکنم . اون وقتها گاه میشد کارخونه هفته ها پول نداشت که مزد ما را

بدهد اما حالا همین کارخونه مفسکی شده پنج تا کارخونه اونم با این عظمت. " افسر که دیگر چنته اش از دروغ گوئی و حيله خالی شده بود و حرفی نداشت که بزند، با کما و قاحت و پرروئی گفت: " من از حاجبی خواهر میکم که ۲۰ تومن دیکه هم اضافه کنه حالا خود دانید (یعنی ۱۰۰ تومان اضافه حقوق ۱۲۰ تومان بشود)". " طبیعی بود کسه کارگران آنرا نمی پذیرفتند در نتیجه مذاکرات نا تمام ماند و کارگران ساعت ۶ بعد از ظهر کارخانه را ترک کردند. قبلا شایع بود که کارگران شب را در کارخانه میانند و لسی بعلت موقعیت بد زمانی، این تصمیم را تغییر دادند. همزمان با خروج کارگران عده ای از مزدوران گارد شهرانی به کارخانه آمد و بعد از مدت کوتاهی آنرا ترک کردند. آنها قصد داشتند که در صورت ماندن کارگران در کارخانه، آنها را بیرون کنند.

روز دوشنبه اعتصاب بدون حادثه مهی ادامه می یابد. آنروز کارگران اعتصاب را به نحو بهتری اداره می کردند. کارگران آگاه کبریت سازی علاوه بر خواسته های صنفی شان گرایشات سیاسی نیز داشته و هدفشان این بود که در این اعتصاب از مبارزات سایر مردم نیز از جمله بازاریان تبریز حمایت کنند. مثلاً بعضی از کارگران می گفتند: " مثلاً فقط ادامه دادن اعتصاب است. ما حتی حاضریم مبلغی هم از دستورمان کم کنند اما اعتصاب تا روزی که بازار باز نشده ادامه داشته باشد. عده ای دیگر از کارگران عقیده داشتند که با توجه به وضع فعلی که رژیم سخت تحت فشار مردم قرار گرفته و مردم نیز از همه طرف بر علیه

او بهارزه بر خاسته اند، ما نباید به مبلغ نا چیزی قانع شویم. بنظر این عده کار فرما هیچ چاره ای ندارد بجز آنکه با خواسته های کارگران موافقت کند عده اندک دیگری از کارگران هم عقیده داشتند که در اعتراضات قبلی همیشه به یک یا دو تومان اضافه حقوق راضی میشده اند بنابراین مشکل است حالا کار فرما با مبلغ به مراتب بیشتری راضی شود.

روز سه شنبه مقامات مسئول و مأمورین پلیس فعالیت خود را برای هر چه زودتر خواباندن اعتصاب زیادتر میکنند. ساعت ۷/۵ صبح یک نفر از استانداری آمده و نماینده رسمی کارگران و اعضای سندیکا را با خود به استانداری می برد. کارگران هم نامه ای نوشته و به نمایندگان میدهند. خطاب به استانداری بود و با لحنی قاطع نوشته شده بود. در این نامه کارگران از همان اول به شرح وضع زندگی در ناک و پر از رنج و محنت خود پرداخته و شرح داده بودند که کارگران در شرایط بسیار بدی بسر میبرند و وجود رشوه خواری و... مانع بهتر شدن وضع کارگران است و تا در خواسته های آنها عملی نشود، بسر کار نخواهند رفت.

مطابق خبر های بعدی می بینیم که بما رسیده است کار فرما سرانجام موافقت کرده است / ۲۱۰ تومان به حقوق ماهیانه کارگران اضافه کند.

اعتصاب کارگران مبارز کارخانه تولیدارو

(تهران)

کارخانه تولیدارو متعلق به کاظم خسرو شاهی وزیر سابق بازرگانی و

سرمایه دار معروف است . در یکی از روزهای آخر مرداد اسال ، کارگران زن این کارخانه که نقش اصلی را در تولید دارند ، هفت سه روز دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب عدم پرداخت سود ویژه از جانب کارفرما بوده است . در این کارخانه سود ویژه به طور ماهیانه پرداخت میشود یعنی هر ماه بعنوان علی الحساب حدود / ۲۰۰ تومان به هر کارگر پرداختند و بقیه سود ویژه که تقریباً / ۱۰۰ تومان در هر ماه میشود آخر سال پرداخت میشود . ولی مقامات مزدور کارخانه در پایان سال گذشته (۵۶) باقی مانده سود را نمی پرداختند . کارگران نیز بعنوان اعتراض به این مسئله دست به اعتصاب زدند . کارگران با قول کارفرما مبنی بر پرداخت این مقدار بمر کار بازگشته اند و در اعتصاب فوق کارگران مرد شرکت نداشتند و این یکی از بهترین علل به پیروزی کامل نرسیدن اعتصاب است . چون درست است که در این کارخانه نقش اصلی تولید بعهده کارگران زن است اما اعتصاب یکپارچه کارگران یک کارخانه ، بنحوی که تولید را بطور کامل بخواهاند و سپس پافشاری کارگران در رسیدن به خواسته هایشان است که موجب میشود تمامی خواسته ها یا اقلاً اکثر خواسته ها به نتیجه برسند .

اعتصاب کارگران مبارز کارخانه زاگرس

(تهران)

در مرداد اسال پس از اتمام دوره هیئت مدیره سندیکا و نماینده

کارگران، نمایندگان مجدد آ انتخاب میشوند. دو نفر از نمایندگان دو باره انتخاب میشوند ولی کارفرمای ضد کارگر کارخانه (مهندس موسی بهار) یکی از نمایندگان را بنام جمال، بعلت فعالیت‌هایی که برای رسیدن کارگران به حقوقشان انجام میداد، از کارخانه اخراج میکند. در ضمن بعد از انتخاب نمایندگان پدیر در کمال بیشرمی به آنها توهین کرده و ضمن جلوگیری از تشکیل سندیکا به آنها میگوید: «اصلاً شما نباید سندیکاً داشته باشید». کارگران نیز که از اخراج رفیق مبارزشان جمال، و توهین به هیت مدیره سندیکا به خشم می‌آیند، از این توهین‌ها به اعتصاب زدند و در نهارخوری می‌نشینند و خواستار بازگرداندن "جمال" می‌شوند. آنها همچنین نسبت به توهین مدیر اعتراض می‌کنند. در همان روز قرار بوده است که همه ای از مقامات وزارت کار از کارخانه بازدید کنند، لذا مدیر کارخانه (بنام مهندس محمدی که فرد مغرور و حیل‌گری است) از کارگران خواهش و تمنا می‌کند که به سرکار بازگردند ولی کارگران روی خواستهای خود پافشاری می‌کنند تا اینکه سرانجام مهندس تعلیم شده و قول می‌دهد به خواستهای کارگران رسیدگی کند. بدنبال این پیروزی نماینده کارگران هم به سرکار باز می‌گردد. ولی وزارت کار هم نتوانسته وجود نمایندگان فعال را تحمل کند و آنها را بعنوان نماینده کارگران قبول ندارد و از کارگران خواسته است که مجدد نماینده انتخاب کنند.

اعتصاب کارگران مبارز کارخانه آیدم

(تبریز)

در تاریخ ۲۱ مرداد کارگران این کارخانه دست با اعتصاب زدند. کارگران قبلاً نیز چند بار دست به اعتصاب زده بودند ولی مقامات کارخانه با وعده و وعید آنها را سرد و مانده بودند. با تغییر مدیرعامل، کارگران می دانستند که وعده های قبلی، نقش بر آب خواهد شد (توضیح اینکه، کارگران در اعتصاب قبلی کارفرما را مجبور به قبول پاره ای از خواسته هایشان کرده بودند ولی کارفرما برای خنثی کردن این وعده ای که از طریق مدیرعامل بکارگران داده شده بود تصمیم به اخراج مدیرعامل و تغییر آن می گیرد). از این رو برای تحقق خواسته های آنان تصمیم به اعتصاب می گیرند. این خبر بگوش دبیر سندیکا و مدیرعامل کارخانه می رسد. ضحاک رانروز که مقارن با اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز و حوادث خونین اصفهان بوده، شهرتیریز حالت عادی نداشته است. از این رو مقامات کارخانه آیدم بیم آن را داشته اند که اعتصاب همه گیر شود. لذا برای جلوگیری از اعتصاب و گسترش آن با سرعت تصمیم می گیرند که کارگران قسمتهای مختلف را بطور جداگانه به نهار خوری آورده و برای آنها سخنرانی کنند. مقامات کارخانه ابتدا کارگران قسمت تست و یاندر را به نهار خوری میاورند و به آنها می گویند: شنیده ایم که وعده ای این شایعه را پخش کرد مانند که گویا کارخانه به وعده هایش عمل

نکرده و از اینرو قصد اعتماد دارند، این خبر صحت ندارد، مابیه وعده های خود مان عمل می کنیم و شما باید بدانید که اینها منافع شمارانی خواهند بود. بعد از این کارگران قسمت دیگر ادعوت به آمدن به نهار خوری می کنند ولی کارگران این قسمت که از آگاهی بالاتری برخوردار بوده اند، سعی می کنند که کارگران بقیه قسمتها را هم با خود به نهار خوری بیاورند، دبیر سندیکا (حاجی علوی) و سایر مزدوران کارفرما وقتی این وسیع را مشاهده می کنند ابتدا تصمیم می گیرند از سخنرانی خود داری کنند ولی بناچار و تحت فشار کارگران همان سخنان قبلی را برای کارگران که برخلاف میل مقامات کارخانه در نهار خوری جمع شده بودند تکرار می نمایند، در این هنگام یکی از کارگران مبارزو آگاه در حالیکه نشسته بوده می گوید: "تو نمایندده ماهستی یا چپاولگرما، تو با زدن پول کارگران به مکه رفتی" (دبیر سندیکا با هزینه کارخانه به سفر حج رفته است) کارگرفوق سپس شروع به دشنام دادن دبیر سندیکا می کند. در این هنگام سایر کارگران که تهییج شده بودند شروع به پشتیبانی از رفیقشان کرده و یکی دیگر از کارگران حاجی علوی را خیانتهکار می نامد، کارگرد دیگری که قبلانگهبان بوده و بعلت درگیری با رئیس نگهبانان کارخانه، جریمه شده و به کارگری در قسمت مشغول شده بود بنای اعتراض به علوی را می گذارد، که بدنبال این اعتراضات علوی سالن راترک می کند کارگران نیز بوسیله تلفن سرکارگهها راتهدید نموده و از آنها می خواهند که کار را تعطیل نمایند. در این موقع که تمام کارگران کارها را تعطیل کرده بودند مدیر عامل کارخانه (آقابیکیان) به سخنرانی برای کارگران پرداخت

و ضمن سخنرانی به مقدمات دینی (حضرت محمد و علی) سوگند یاد کرد که خواستهای کارگران را برآورده کند، کارگران در مقابل شروع به اعتراض به مدیرعامل کرده و گفتند که توارض هستی و به مقدمات هم دروغ قسم می خور سرانجام کارگران با گرفتن تعهد کتبی از مدیرعامل و دبیرسندیکا اعتصاب را به روزضدانه به پایان رسانیدند. بعد از خاتمه اعتصاب عده ای از کارگران " ایدم " و " ماشین سازی " عقیده داشتند که شکستن اعتصاب کار خوبی نبوده است، چون با توجه به موقعیت خاصی که وجود داشته است، با ادامه اعتصاب مقامات کارخانه مجبوره دادن امتیاز بیشتری می شدند.

اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی

(خوبه)

اواخر تیرماه سال جاری کارگران نیروگاه اتمی خوبه واقع در رقریه در خوبه در چند کیلومتری " کوت عبدالله " (بین اهواز و بندر شاهیور) برای رسیدگی به مسأله رفت و آمد دست با اعتصاب زده و خواستار آن شدند که زمان رفت و آمد را که حدود ۲ ساعت است به عنوان ساعت کار حساب کرده و بابت آن بکارگران دستمزدها دهند. از چگونگی و نتیجه اعتصاب اطلاعی در دست نیست.

کارگران متحد همه چیز
کارگران متفرق، هیچ چیز

● از مبارزات اتمان درس بگیریم

”سوسیالیست‌ها، اعتصاب را ”مکعب نبرد“ میدانند. مکتبی که کارگران در آن می‌آموزند با دشمنانشان برای آزادی تمام مردم، تمامی آنهایی که زحمت می‌کنند، از یوغ مأمورین دولت و سرمایه نبرد کنند.

”اعتصاب‌ها به کارگران نشان می‌دهند که دولت، دشمن آنهاست و مبارزه باید علیه دولت انجام شود. در واقع اعتصاب‌ها هستند که کم‌کم به طبقه کارگر تمام کشورهای آموخته‌اند که برای حقوق کارگران و بطور کلی حقوق ملت، علیه دولت مبارزه کنند.

اعتصاب‌ها وقتی میتوانند موفقیت‌آمیز باشند که کارگران به اندازه کافی آگاهی طبقاتی داشته باشند. وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب برای اعتصاب کردن را انتخاب کنند. وقتی که بدانند چگونه تقاضاهای خود را مطرح کنند. و وقتی با سوسیالیست‌ها تماس داشته باشند و بتوانند از طریق آنها اعلامیه‌ها و جزوات بدست بیاورند.
”لنین: ”درباره اعتصابات“

این احکام لنین، همچون گوهر تابناکی بر صحنه مبارزات طبقه کارگر ما می‌درخشد و هر اعتصاب و هر مبارزه‌ای که کارگران با کارفرمایان و دولت انجام می‌دهند، حقانیت آنها را بیشتر و بیشتر روشن میکند.

کارگران آگاه و مبارز تراکتور سازی، درست زمان مناسب را برای اعتصاب خود انتخاب کردند. آنها همچنان که در اعلامیه شان آورده اند بخوبی نشان دادند که برای مبارزه کردن باید مجموعه دولت را در مقابل خود شان قرار دهند. آنها در "سرنوشت عبرت انگیز خود" دیده اند که نماینده رئیس حفاظت، مهربانه بیست و نه وعده و وعید دادن کاری از دستشان ساخته نیست. پس باید مستقیماً عالی ترین مجری سیاستهای کارگری را (وزیر کار) به میدان کشید و صورتش را با شلاقسی از قاطعیت کارگری، برای بدست آوردن خواسته های خود، سرخ کرد.

اما چه چیزی توانسته است مبارزات کارگران را تا این حد ارتقاء دهد؟ اتحاد و آگاهی طبقاتی کارگران. آری، اتحاد و آگاهی حربه ایست که دیگر شکافی برای جا دادن فریب ها و امن زدن به تردیدها و تزلزلها، برای کارفرمایان و دولت، باقی نمیگذارد. و آنها را مجبور میکند که از وسائل دیگری، همچون پلیس و ارتش و توب و تانک، برای از بین بردن آن "اژدهائی که در پشت هر اعتصاب خوابیده است" استفاده کنند. و اینجاست که کارگران متوجه میشوند که اگر چه اعتصاب "مکب نبرد" است، ولی خود نبرد نیست. کارگران می فهمند که آنها با دولت سرمایه داران و در اینجا رژیم استبدادی شاه و باند سرمایه داران داخلی و خارجی سروکار دارند و در همین کارزار است که خود نبرد را باید به پایان برسانند.

و پیام ما به رفقای کارگر تراکتور سازی اینست که: رفقا! برای

خود نبرد آماده شوید. این آگاهی و اتحاد را هر چه بیشتر با سوسیالیسم توأم کنید. آنرا در میان توده های هر چه وسیع تر کارگران بسط دهید تا نبرد نهائی را که سرانجامش بره شرکت کارگران و چگونگی شرکت آنها بستگی کامل و تعیین کننده دارد به پیروزی برسانیم.

اعتصابات دیگر همچون اعتصاب کارگران کبریت سازی توکلی، اعتصاب کارگران زاگرس، کارگران ایدم و نیروگاه خویه همه نشانه ای از این واقعیت دارند که کارگران مبارز ما چه خوب از سالها مبارزاتشان درس گرفته اند و چه خوب دشمنان خود را در هر لباسی شناخته اند و شکرهای آنان را درک کرده اند.

کارگران کبریت سازی به درستی به نمایندگی "رسمی" شان اعتماد ندارند و او را با نامه ای که قاطعانه در آن خواسته هایشان را مشخص کرده اند می فرستند و بدین ترتیب نشان میدهند که تصمیم برای کارگران نمی تواند در پشت درهای بسته اطاق های استانداری گرفته شود و این کارگرانند که بهتر از هر کس میدانند که چه چیزی می خواهند.

در همین رابطه کارگران کارخانه زاگرس چه خوب حیلۀ کارفرما را که فقط برای ندانن حق کارگران، مهره مزدور و (مدیرعامل) را تغییر میدهد و نماینده فعال و واقعی کارگران را اخراج میکند، خنثی کرده و نه تنها متحداً تضمینی کتبی از کارفرما می گیرند، بلکه نمایندگی شان را نیز بسر کار باز می گردانند.

اما بلافاصله درس دیگری از این مکتب نبرد در مقابل مان نمودار میشود

و آن برخورد وزارت کار با جریان بزرگ برگشتن نماینده کارگران است که به بینیم چگونه وجود او را برای منافع دولت سرمایه داری خطرناک تشخیص داده و او را تحمل نکرده و اعلام تجدید انتخابات میکند.

اعتصاب هم پیروزی هایشان درس آموزند و هم شکست هایشان. در اعتصاب کارگران تولید ارو، اگر چه کارفرما مجبور به دادن قول شده است اما خود اعتصاب ضعف اعتصاب را می رساند. در اینجا کارگران مرد کارخانه به سایر رفقای کارگر زن نمی پیوندند، در حالی که خواست کارگران زن، درست همان چیزی بوده که رسیدن به آن، شام همه کارگران کارخانه میشد. اما چرا باید اینطور باشد؟ کارگر، کارگر است و هیچ فرقی ندارد زن باشد یا مرد. زیرا همه در زیر یک پرچم یعنی پرچم سرمایه کس در اینجا بوسیله آمریکای غارتگر، به رنگسياه دیکتاتوری آمیخته شده و بسه شاه سفاک سپرده شده است، استثمار می شوند. و تحت ظلم و ستم قرار میگیرند. ظلم و ستمی که ارتس و پلیس شاه آنها را وچندان میکند. آنروز خواهد رسید که جنبش کارگری ماله اکنون بدون سوسیالیسم وجود دارد همراه با سوسیالیسم و زیر پرچم سرخی که روی آن نوشته است: "کارگران جهان متحد شوید" پیشاپیش مبارزات مردم خود، نبرد را، نبردی که رژیم شاه و سلطه غارتگران را سرنگون میکند، یعنی اولین مانع اساسی رشد طبقه کارگر را بیاپایان رساند.

★★★★★★★★

● توضیح درباره چند اصطلاح

مارکسیسم - لنینسم: ایدئولوژی طبقه کارگر یا آموزشی است که برای رهایی طبقه کارگر از قید استثمار و بهره‌کشی و دست آوردن قدرت از چنگ سرمایه داران، و پیش بردن بشریت بسوی ترقی و تکامل بکار می‌رود. این مکتب بوسیله مارکس و انگلس بنا نهاده شد و بوسیله لنین (رهبرانقلاب اکبر شوروی) تکامل یافت.

امپریالیسم: یعنی انحصارگری و آخرین مرحله رشد و تکامل سرمایه داریست که در آن سرمایه‌های بزرگ انحصاری (صنعتی و مالی) در جهان حاکمیت دارند و برای اینکه بتوانند بازارهای فروش را در تمام جهان بدست خود بگیرند و برای اینکه بتوانند مواد اولیه و انرژی مورد نیاز را ارزانتر بدست بیاورند، دست به تجاوز نظامی و سیاسی - اقتصادی به کشورهای ضعیف جهان زد و دو ضابطه ملی آنها را غارت میکنند. آمریکا بزرگترین و خونخوارترین امپریالیسم جهانست.

دیکتاتوری: که معنی وسیعی دارد و بستگی به این دارد که بوسیله چه طبقه ای برقرار شود. در جامعه سرمایه داری این دیکتاتوری از طرف حکومت سرمایه داران، برضد کارگران و زحمتکشان برقرار میشود (و دیکتاتوری فردی مثل دیکتاتوری شاه در کشور ما که بدترین نوع دیکتاتوری بوده و یک فرد به نمایندگی از طرف طبقات حاکمه و برای حفظ منافع آنان، جلوی هرگونه

اعتراض و مخالفتی را با ایجاد محیط خفقان و کشت و کشتار، میگیرد.

اما در یکتاتوری طبقه کارگر، در یکتاتوری است که بنغم اشرفیت مردم زحمتکش (کارگران و بقیه زحمتکشان) و بر علیه سرمایه داران بنا گردفته میشود. یعنی در یکتاتوری برای سرمایه داران و استثمارگران و در مکراسه، (آزادی) برای بقیه مردم. استبدادی نیز یعنی، در یکتاتوری.

فاشیستی: منظور، نام حکومت در یکتاتوری و ضد خلقی نازی هابرهبری هیتلر در آلمان است که به علت حالت در یکتاتوری و خفقان شدیدی که پیاد مکر قانون انضباطی در محیط کارخانه ایجاد میکند به آن این اسم را میگویند. دمکراتیک: یعنی، آزادی بخش. حکومت در مکر تایت حکومتی است که برای تمام زحمتکشان جامعه، آزادی لازم را بوجود آورده باشد. جمعی — یکتاتوری در مکر تایت خلقی، چنین حکومتی است.

سرمایه داران و بازرگانان ملی: در کشور ما وجود سرمایه دار وجود دارد، بی سرمایه دارانی که از لحاظ سرمایه، تشکیل دهنده تولید و مواد اولیه، بی سرمایه داران بزرگ خارجی وابسته هستند. مثل کارخانجات اتومبیل سازی لاستیک سازی و وسائل خانگی، به اینها سرمایه داران وابسته یا بورژوازی وابسته میگویند. دسته دیگر سرمایه داران که برعکس، سرمایه، تشکیل دهنده تولید و مواد اولیه مورد نیازشان عمدتاً از داخل تأمین میشود که سرمایه دار ملی یا بورژوازی ملی نامیده میشوند. مانند صاحبان کارخانه های ریخته گری، بلور سازی ها و ...

خرده بورژوازی: طبقه ایست که با وجودی که سرمایه دار و مالک ابزار تولید

است اما بدلیل کم بودن سرمایه اش خود شرم کار میکند (برخلاف
سرمایه داران که خودشان کار نمیکنند) مثل کسبه، صاحبان کارگاهها و
جامعه سوسیالیستی: جامعه ایستکه در آن مالکیت فردی برابر ابزار تولید
و دهقانان.

ازین رفته جای آنرا مالکیت جمعی تولید کنندگان برابر ابزار تولید گرفته است.
حکومتی که این جامعه دارد حکومتی کارگریست که اجزه هیچگونه استثمار
کردن را بکسی نمیدهد. شعار این جامعه این است: "هر کس به
اندازه توانائی اش کار کند و به اندازه کارش مزد بگیرد."

نظام برده داری: دوره ای از تاریخ جامعه بشریست که در آن دو طبقه
اصلی عبارت بودند از برده داران و برده ها. برده داران هم مالک
تمام ابزار تولید بودند و هم حکومت در دستشان بود. برده داران برده
را که عامل اصلی تولید بودند مانند بقیه ابزار تولید تحت مالکیت
خودشان در آورده و آنها را خرید و فروش میکردند.

نظام فئودالی: دوره ای از تاریخ جامعه بشریست که بعد از دوران برده داری
بوجود آمد و دو طبقه اصلی آنرا فئودالها یا اربابها که مالک زمین و ابزار
تولید بودند و دهقانانی که بر روی این زمینها کار میکردند و رازای مالکیت
و استفاده ازین وسیله تولید مثلاً یک قطعه زمین یا یک جفت گاو قسمت
عمده محصول خود را به ارباب میدادند و برای او کار میکردند و

بیکاری: کار مجانی

استثمار: بهره کشی



نکات امنیتی

● رفقای کارگر!

- ۱ - سعی کنید نشریه را پس از مطالعه بدیگر رفقای کارگرتان برسانید . اما این کار را باید غیر مستقیم انجام داد . یعنی آنها نفهمنند که این نشریه را شما برایشان فرستاده اید .
- ۲ - اگر رفقای کارگر قابل اطمینانی دارید که میدانید از این نشریه در جای دیگری صحبت نخواهند کرد ، و با آنها دوستی و صمیمیت بسیار نزدیکی دارید میتوانید این نشریه را با آنها بخوانید . چون خواندن دو سه نفری نشریه کمک خیلی بیشتری به فهم مطالب آن میکند . برای رد و بدل کردن نشریه با این دسته از رفقایان ، هرگز نباید آنها در جاهائی که کسان دیگری هم هستند به رفیقان بدهید .
- ۳ - از حمل و نقل بیخود این نشریه در خیابان باید خودداری کرد و در صورت لزوم آنها در پوشش مناسبی قرار داد .

لغو قانون کار فعلی و تصویب قانون

کار جدید را بر اساس خواسته های

کارگران خواهان شویم !

۱۳۸۵

آرشیو اسنادی 300 مان پیکار در روزهای طبقات کارگر
۲۰ ریال

www.peykar.org